هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققا آنان را به راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور هفتم | سال پنجم | شمارهٔ پنجم | چهارشنبه ۱۳ ثور ۱۳۸۵ | ۴ ربیع الثانی ۱۴۲۶ - | May 3, 2006

په ننگرهار د ثور د اتمې د پرتميني ورځې د لمانځلو په ترځ کې د جهاد او مقاومت ملی مشر استاد ربانی:

مجاهدین چی د آزادی دلاری اتلان دی، اوس د بیا رغاونی د بهیر مخکښان هم دی



آزادی او له ديني او ملي ارزښتونو دفاع د ملت د بریا اساسی راز و.

***

د با ثباته نظام په جوړولو کې د یو بل لاسنیوي ملی دنده ده.

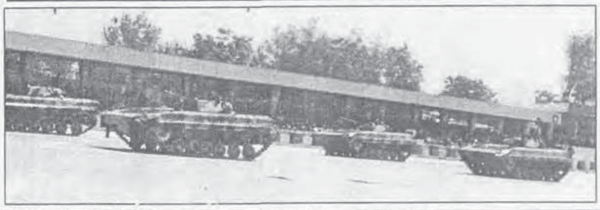
***

د اثور د اتمی بریاوی یواځې په افغانانو پورې اړه نه لری؛ بلکی ټولو نړیوالو لپاره یوه ستر بدلون و.

۵مخ

چهاردهمین سالگرد پیروزی جهاد مردم افغانستان تجلیل شد

ص۵







بیست وزیر کابینهٔ جدید مراسم تحلیف به جا آوردند



بیست تن از وزیران کابینهٔ جدید آقای کرزی عصر دیروز در قصر ریاست جمهوری مراسم تحلیف به جا آوردند.

مجلس نمایندگان پارلمان به تاریخ ۳۰ حمل به اعضای کابینهٔ پیشنهادی آقای کرزی رأی داد. در آن روز که نتایج رأی نمایندگان روشن گردید، ۱۷ وزیر تأیید و پنج وزیر رد شدند و سه وزیر دیگر بین تأیید و رد مورد اختلاف قرار گرفتند.

سه وزیر مورد اختلاف هر یک محمد یوسف پشتون ۱۲۱ رأی و امیرزی سنگین ۱۲۰ رأی و محمد اکبر ۱۱۹ رأی کسب کرده بودند. این موضوع در میان اعضای ولسی جرگه مورد اختلاف واقع شد، جمعی آنان را برنده خواندند و جمعی دیگر آنان را ناکام گفتند. هر دو گروه به مادهٔ ۱۰۶ قانون اساسی استشهاد می کردند. این موضوع چندین روز جلسات مجلس نمایندگان را به خود اختصاص داد و سرانجام مجلس نمای‌ندگان به یک نسبت کم فیصله کرد که تفسیر مادهٔ ۱۰۶ را به رئیس جمهوری واگذارد.

رئیس جمهوری آن را به دیوان عالی قضا (ستره محکمه) جهت تفسیر داد و ستره محکمه سرانجام شنبه ۹ ثور با اصدار فیصله یی مراد از مادهٔ ۱۰۶ را "اکثریت ساده" خواند که برپایهٔ آن وزیران سه گانهٔ یاد شده برنده تلقی شدند.

این سه وزیر همراه با هفده تن دیگر دیروز در مراسم تحلیف به عنوان اعضای کابینهٔ جدید شرکت ورزیدند.

هرچند مسألهٔ تفسیر مادهٔ ۱۰۶ قانون اساسی بدین گونه که انجام شده است از سوی بسیاری از نمایندگان مجلس و حقوق دانان غیر حقوقی خوانده شده است.

اکنون باید آقای کرزی پنج وزیر دیگر را نیز جهت کسب رأی اعتماد به مجلس نمایندگان معرفی دارد تا کابینه اش را تکمیل کند. برخی از آگاهان می گویند که رئیس جمهور بعضی از آن پنج وزیر را که دربار نخست رد شدند دوباره برای کسب رأی اعتماد معرفی خواهد کرد، در صورت معرفی شدن آنان دربار دوم دیده شود که مجلس نمایندگان با آنان چه می کند؟

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

مؤسس: استاد برهان الدین ربانی

سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی

ناشر : دفتر فرهنگی

زیر نظر هیأت تحریر

آدرس : کابل- چهار راهی زنبق ـ هتل و رستورانت زنبق طلائی صندوق پستی : ۲۲۶

شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹

Website: www.mujahid1357.com

E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

د ۱۰۶ مادی پر سر جنجال

احمد جاهد

کومـه نانـدره چـې د افغانـستان د اساسـی قـانون د ۱۰۶ مـادی پـر سـر پـه ولـسی جرګـه کـی راپورتـه شـوی وو بـالآخره د سـتری محکمـی د یـو نـا مربـوط پریکـړی پـه نتیجـه کـی لاپـسی کړکیچنـه شـوه. سـتره محکمـه د سـاده اکثریت په پلوی پریکړه وکړه خو ۱۰۶ ماده داسی وائی:

د ملـی شـورا د هـر مجلـس نـصاب د رایـو د اخیـستو پـه وخـت کـی د هـری جرګـی د غړیـو د اکثریـت پـه حـضور بـشپړیږی او تـصمیمونه یـی د رایـو پـه اکثریـت نیـول کیږی...

دا مـاده بلکـل روښانـه مفهـوم لـری او تفـسیرته اړتیـا نشته. یـو مطلـب هغـه وخـت تفـسیرته اړتیـا پیـدا کـوی چـې پـه هغـه کـی مـبهم، مجمـل یـا متـشابه کلمـات راغلـی وی او لـه هغـه نـه د یـو څخـه د زیـاتو مفـاهیمو د اخیـستلو امکانات برابروی.

پـه دی روښانـه مـاده بانـدی چـی کـوم شـخړی راپورتـه شـوی، پخپلـه د دی ښکارنـدوی وو چـې ځینـی کـسان پـه دی کـی سیاسـی اهـداف او مقاصـد لـری. ځینـو خاصـو کړیـو چـې د ولـسی جرګـی د کمزورتیـا او سـپکاوی پـه لټـه کـی دی، داسـی نانـدری راپورتـه کـړی چـی پـه پـای کـی ولـسی جرګـه لـه یـو قـاطع پریکـړی څخـه عـاجز پـاتی شـو او بـالآخره د مـسئلی حـل، اجرائیـه قـوی تـه وسـپارل شـو. د اجرائیـه قـوی مـشر هـم دا مـاده لکـه د فوتبـال تـوپ، سـتری محکمـی تـه پـاس ورکـړه. پـه دی شـکل د افغانـستان اساسی قانون د فوتبال توپ حیثیت ځان ته غوره کړه.

پوښتنـه داده چـی آیـا مقننـه قـوه کـولای شـی خپـل صـلاحیت بـل قـوی تـه وسـپاری؟ د اساسـی قـانون هـر قـوه ځـان تـه ځـانګړی صـلاحیتونه او وظـایف لـری او مقننـه قـوه نـشی کـولای چـی خپـل صـلاحیت بـل تـه وسـپاری. پـه دی مسئله کی دا یوه مهمه تیر وتنه بلل کیږی.

بلـه پوښتنـه داده چـی آیـا کـومی مرجـع سـتری محکمـی تـه د اساسـی قـانون د تفـسیر صـلاحیت ورکـړی دی؟ د اساسـی قـانون یـو سـلو یـو ویـشتمه مـاده داسـی وائـی: لـه اساسـی قـانون سـره د قوانینـو، تقنینـی فرمـانونو، بـین الـدول معاهـدو او بـین المللـی میشـاقونو د مطابقـت څیـړل، د حکومـت یـا محـاکمو پـه غوښتنـه د هغـو تفـسیر د قـانون د حکموتـو سـره سـم د سـتری محکمـی صـلاحیت دی.

آیـا د (هغـو) مقـصد اساسـی قـانون دی یـا تقنینـی فرمانونه، بین الدول معاهدو...

بلـه خبـره داده چـې کـه چیـری ۱۰۶ مـادی پـه روښانتیـا کښـی کـوم مـشکل وای، ډیـر ښـه مرجـع چـي وکـولای شـو پـه دی هکلـه توضـیح ورکـړی د اساسـی قـانون د تـسوید جرګـه وو چـی د هغـوی اکثریـت غـړی پـه کابـل کـی حاضـر دی. خـو ولـی دا مـسئله سـتری محکمـی تـه سپارل کیـږی؟ ولی مقننه قوه خپل صلاحیت نوروته سپاری؟ ص۷

پیشنهادی به پارلمان کشور

وحید مژده

چهـاردهمین سـالروز پیـروزی مجاهـدین روز جمعـه تجلیـل گردیـد. در مراسـمی کـه در این روز برگـزار گردیـد، از قهرمـانی هـای ایـن ملت مجاهد سخن گفته شد.

به مناسـبت ایـن روز رسـانه هـای خبـری بـا برخـی از صـاحبنظران مـصاحبه هـایی داشـتند کـه برخـی از ایـن روز بـه عنـوان آغـاز مصیبت های جدیـد بـرای ملـت سـخن گفتنـد و بدون تفکیک میان جهـاد و وقـایعی کـه بعـد از این روز واقـع شـد، ارزش هـای جهـاد را زیـر سـؤال بردنـد و کـسانی هـم از دادن فحـش و دشنام به آن دریغ نکردند.

مـی دانـیم کـه کودتـای هفـت ثـور ۱۳۵۷ در کـشور مـا بـه قیـام ایـن ملـت علیـه کمونیـست هـای دسـت نـشانده، ماسـکو انجامیـد. وقتـی ایـن قیـام بـه یـک خیـزش سراسری مبدل شـد، سپاه سـرخ بـه حمایـت از رژیم دسـت نـشانده بـه افغانـستان حملـه نمـود و فاجعه، عظیمی را به میان آورد.

از آغـاز کودتـای ثـور، علمـای دیـن در کشور ما بـه فرضـیت جهـاد علیـه تجـاوز غیـر مـستقیم و سـپس در برابـر تجـاوز مـستقیم روسها فتوا دادنـد. در سراسـر جهـان اسـلام نیـز علمـای جیـد، جهـاد افغانـستان را جهـاد برحـق این ملت علیه تجاوز گـران دانـسته بـا فتـوا بـه تاییـد آن، جهـاد مـردم افغانـستان را ادای فریـضه، جهـاد خواندنـد. بنـابراین، بـه فتـوای علمـای سراسـر جهـان اسـلام، در مـورد مشروعیت این جهـاد اجمـاع وجـود داشـت. بـر بنیاد همـین اجمـاع بـود کـه در دوران جهـاد از سراسـر جهـان هـزاران مـسلمان بـرای کمـک بـه بـرادران مجاهـد خـویش بـه افغانـستان آمدند. نظر بـه فتـوای علمـای اسـلام بـود کـه مـسلمانان سراسـر جهـان بـرای کمـک بـه جهاد ما کمـک هـای مـالی قابـل تـوجهی نیـز نمودند که بـدون آن کمـک هـا، پیـشرفت ایـن جهاد مقدس مشکل بود.

بنابراین شکی وجـود نـدارد کـه ایـن جهـاد از نظر دین اسلام مشروع بود.

از هنگـام تجـاوز ارتـش سـرخ بـه کـشور اسلامی مـا، جامعـه، جهـانی ایـن تجـاوز را بـه عنـوان یـک عمـل غیرقابـل توجیـه رد کـرد. سـازمان ملـل متحـد در جنـوری سـال ۱۹۸۰ مـیلادی بـه اکثریـت ۱۰۴ رأی موافـق در برابـر ۱۸ رأی مخـالف و ۱۸ رای ممتنـع، اشغال افغانـستان بـه وسـیله، اتحـاد شـوروی را غیرقانونی خوانـده و خواهـان خـروج ایـن نیـرو ها از افغانستان شد.

در ۲۰نـوامبر همـین سـال اسـامبله، عمومی بار دیگـر بـا اکثریـت ۱۱۱ رأی موافـق در برابـر ۳۲ رأی مخـالف و ۱۲ رأی ممتنـع خواهـان خـروج نیروهـای شـوروی از خـاک افغانستان شد.

در ۱۸ نـوامبر سـال ۱۹۸۱ اسـامبله، عمـومی بـار دیگـر بـا اکثریـت ۱۱۶ رأی موافـق،۲۳ رأی مخـالف و ۱۳ رأی ممتنـع خواهـان خـروج نیروهـای روسـی از افغانـستان شد.

در ۲۹ نـوامبر ۱۹۸۲ اسـامبله، عمـومی سازمان ملـل متحـد چهـارمین فیـصله، خـود را بـا ۱۱۴ رأی موافـق، ۲۱ رأی مخـالف و ۱۴ رأی ممتنع صادر کرد.

آیا عجیب نیست که ما در مقابل حماسه یی با چنان عظمت و قیامی که در آزادی بخش مهمی از جهان از چنگ استعمار سرخ نقش و اثری انکار ناپذیر داشت و آن همه خون به خاطرش ریخته شد، فاقد این احساس هستیم که باید آن را در برابر دشمنان اسلام و جهاد پوشش قانونی دهیم و آن را به حریم غیر قابل طعن و تعرض مبدل سازیم

ششـمین فیـصله، ملـل متحـد در ۱۵ نـوامبر ۱۹۸۴ بـا ۱۱۶ رأی موافـق،۲۰ رأی مخالف، و ۱۴ رأی ممتنع صورت گرفت.

در ۱۳ نـوامبر ۱۹۸۵ هفتمـین فیـصله، اسامبله، عمومی سـازمان ملـل متحـد بـا ۱۲۲ رای موافـق، ۱۹ رأی مخـالف و ۱۲ رأی ممتنع صادر شد.

اتحاد شـوروی وقـت بـا رد خواسـت هـای جامعه، جهانی، در جهـان تجریـد شـد امـا نیـرو های این کشور در افغانـستان بـه کـشتار مـردم بی دفـاع پرداختنـد. بخـش عظیمـی از منـاطق روسـتایی کـشور بـا سیاسـت هـای زمـین سوخته، از سکنه تهی شـد و میلیـون هـا مـردم ایـن کـشور مجبـور بـه مهـاجرت بـه خـارج بخصوص کشور های همسایه شدند.

در طی ایـن تجـاوز حـدود یـک میلیـون و پانـصد هـزار تـن از مـردم ایـن کـشور در راه آزادی ایـن سـرزمین جـان باختنـد و میلیونهـا تن دیگـر بـا دسـت و پـای بریـده و مجـروح و معلول از قربانیان این تجاوزند.

***

جهـاد افغانـستان را مـی تـوان بـی ماننـد ترین تجلی وحدت ملـی در ایـن کـشور خوانـد. در این دور بود کـه مـردم مـا بـه صـورت یـک دسـت و بـا احـساس مـشترک بـرای دفـاع از آزادی کـشور شـان حاضـر بـه دادن قربـانی شدند. هیچ دسیـسه یـی نتوانـست ایـن وحـدت را خدشـه دار سـازد. بـدون چنـین وحـدتی، مقاومـت در برابـر تجـاوز یـک ابرقـدرت ناممکن بود. این کـه بـه ایـن احـساس خیانـت شـد مـساله، دیگـری اسـت امـا تـلاش در جهت زنده نگهداشـتن و تقویـت ایـن احـساس نیاز مبرم این ملت است.

در کـشورهای دیگـر معمـولا تجلیـل از وقـایعی از ایـن دسـت بـرای تحکـیم وحـدت ملـی کارآمـد اسـت و در قـانون اساسـی آن کشور ها از این روزهـا و حتـی شخـصیت هـایی که در آن نقش محـوری داشـته انـد تجلیـل بـه عمـل مـی آیـد. بـه عنـوان مثـال در قـانون اساسـی پاکـستان از محمـد علـی جنـاح بـانی کشور پاکـستان بـه عنـوان شخـصیتی نـام بـرده شده است که هرگونـه تـوهین بـه وی جـرم بـه شمار می آیـد و پیگـرد قـانونی دارد. آیـا عجیـب نیـست کـه مـا در مقابـل حماسـه یـی بـا چنـان عظمـت و قیـامی کـه در آزادی بخـش مهمـی از جهان از چنـگ اسـتعمار سـرخ نقـش و اثـری انکـار ناپـذیر داشـت و آن همـه خـون بـه خـاطرش ریختـه شـد، فاقـد ایـن احـساس هـستیم کـه بایـد آن را در برابـر دشـمنان اسـلام و جهاد پوشش قـانونی دهـیم و آن را بـه حـریم غیر قابل طعن و تعرض مبدل سازیم.

اگـر پارلمـان کـشور مـا واقعـاً متـشکل از شخـصیت هـای مجاهـد و حـامی ارزش هـای جهاد است، باید بـه ایـن مـسأله، نهایـت مهـم توجه نماید. بایـد ترتیبـی را صـورت دهنـد کـه حـریم جهـاد بـه عنـوان یـک ارزش والا و مقـدس از هرنـوع تعـرض مـصئون باشـد و متخلفان باید قانونا مجازات گردند.

اگر پارلمان کشور مـا بـه ایـن اصـل مهـم توجه ننماید، و ارزش هـای مقدسـی کـه جهـاد موجـد آن بـود و امـروز بـرای نیـل بـه وحـدت ملـی بـه تقویـت و حمایـت آن سـخت نیـاز است، مورد اهمـال و بـی تـوجهی قـرار گیـرد و هـر کس و ناکـسی بـه آن بتـازد، چگونـه مـی توان ادعا نمود که خـون بـیش از یـک میلیـون شهید این جهاد به هدر نرفته است؟

امیـد اسـت شخـصیت هـای مجاهـد در پارلمـان بـه ایـن پیـشنهاد ترتیـب اثـر دهنـد و ثابـت سـازند کـه پاسـداران صـادق خـون شهیدان و ارزش های جهادند.

خلک نوی کابینی ته هیله من دی

ذبیح الله اتل

دا چې زمونږ پـه هېـواد کـې وروسـته لـه کورنیـو جګـړو یـو ځـل بیـا د دی هېـواد وګـړوتـه د دی زمینـه برابـره شـوه، چـې د نـورو لـه تـوپـك سـالاری څخـه خـلاص او لـه خپلـی کـورنی سـره پـه تـولنیز چاپیریـال کـې خپـل ژونـد پـر مـخ بـوزی او د روښانـه سبا پـه هیلـه دغی لړی ته دوام ورکړی له حقیقت څخه لری خبره نه ده.

خـو دا چـې د پـرمختګ او سـوکالی لپـاره خپلـو یـا پـردو مـلاوی وتـړلی او پـه څـه مفکـوره یـی دا کـار پیـل کـړ د ملـت لپـاره د بحث وړ خبره نـه ده او هغـه څـه چې ورتـه تـر هـر څـه مهم ښکـاری هغـه لـه دی طلائـی چـانس څخـه د هېـواد او خلکـو لپـاره د ښـی ګټـی اخیـستنی مـسئله ده. خکـه ملـت او ولـس پـه دی ښـه پوهیـږی چـی، کـه دا ځـل هغـه اداره چـې خلکـو رامنځتـه کـړی او پـه خپلـه خوښـه یـی ورتـه رایـي ورکـړی او د چـارو د سـمون لپـاره یـی لومـړی ولـس مـشر وټاکـه او وروسـته یـې بیـا خپـل اسـتازی نـوی کـابینی او پـه هېـواد کـی د نـورو سـتونزو د حـل لپـاره ور معرفـی کـړل نـو دا سـی یـې ګڼلـه چـې دوی بـه داخـل د هېـواد او خلکـو لپـاره پـه پـوره صـداقت، امانـت داری او اخـلاص سـره کـار وکړئ او په ډیر اخلاص سره خپلی رایی یې ورکړی.

دا چـې لـه انتخـابی رئـیس جمهـور سـره پـه دغـه هېـواد کـی یـو لـړ بدلونونـه راغلـل زمـوږ هېـوادوال یـې شـاهدان دی خـو دا چـې دولتـی چـارواکو او یـا هغـه چـاچې د وزارت پـه پوسـتونو کـې څـه وکـړل پـه دی هـم ولـس پوهیـږی. د دی پرځـای چـې د دغـه ړنـګ او ویجاړ شوی هېواد لپاره کار وکړی خپل جیبونه ص۷

طالبان او پاکستان

د هندی انجنیر وژنی ته یوه کتنه

راوی

څو ورځی دمخه طالبانو د زابل په شاو خوا کی یو هندی انجنیر برمته کړل. د خارجیانو برمته کول په هغو سیمو کی کومه نوی خبره نده. پخوا هم د هندوستان، د ترکیی او نورو هیوادونو اتباع د طالبانو لخوا برمته شوی وو چی ځینو بیا ووژل شول. خشونت په افغانستان کی له عراق څخه الهام اخلی او دا هم نوی خبرنده خو په دی پیښه کی د اندیښنی وړ خبره د برمته کونکو مطالبات او غوښتنی وو چې مطرح شو.

په افغانستان کی د هندوستان سفارت او دهغوی قونسلگریانی تړل کیدل، له افغانستان څخه د هندوستان ټول اتباعو تلل او داسی نوری خبری چې ټول د هند او پاکستان ښخړه رایادوی.

هر څوك چې دا خبری اوریدلی دی، حتماً دا خبره ور په زړه شوی دی چې دا د یو افغان ډله غوښتنه نده بلکه د پاکستان غوښتنی دی چې طالبانو د ویاند له ژبی څخه مطرح کیږی. آیا طالبان تر اوسه پوری هم له تیرو پیښو څخه عبرت ندی اخیستی؟

زه دا نه وایم چې دا د پاکستانی چارواکی غوښتنی دی یا د هغوی د خوشحالولو لپاره د ځینو نا بلدو کسانو څرگندونی خو که په ریښتیا هم دا د طالبانو دریځ وی نو هغوی ته په کار خو دا دی چې لږ شانته ځیر شی چې پاکستان طالبانو سره څه کړی دی.

زه لری نه ځم همدا د تیری جمعی په ورځ چی زه په کابل کی امنیت جیل ته د ځینو دوستانو د لیدو لپاره تللی وم د طالبانو پخوانی ویاند لطیف الله حکیمی سره زما لنډه ملاقات وشوه. له هغه څخه د هغه د صحت پوښتنه می وکړه هغه راته وویل چی د ملا سخت تکلیف لرم. زه چې کله په پاکستان کی ونیول شوم نو د پاکستانی چارواکو په امر سخت شکنجه شوم. سختی شپی ورځی پر ما تیری شوی ترڅو چی افغانی مقاماتو ته وسپارل شوم. دلته زما درملنه وشوه او اوس هم د ډاکترانو تر تداوی لاندی یم.

زه نه وایم چې لطیف الله حکیمی اوس د کرزی طرفدار دی خو دی په خپله د هغو بدو ورځو یادونه په څو لنډو جملاتو وکړه چې پر هغه باندی د پاکستان په بند تیر شوی وو.

په افغانستان کی د پاکستان د هیواد په زرگونو اتباع په کار او مزدوری بوخت دی. دوی په هغو سیمو کی کار کوی چې پاکستان سرحد سره نږدی دی او طالبانو په هغو سیمو کی فعالیت لری خو هیڅکله دوی ته کوم گواښ پیښ شوی ندی.

که د طالبانو مقصد دا دی چې په افغانستان کی د بیاودانولو کار ونشی او بهرنی مرستی په افغانستان باندی ودریږی، نو دوی ولی د پاکستانیانو د راتگ مخنیوی نه کوی؟ ټول پوهیږو چې پاکستانی مزدور کاران په افغانستان کی ډیر ښه کار کوی او که دوی افغانستان ته رانشی، ډیری ساختمانی چاری خنډ سره مخامخ کیږی.

طالبان باید افغان خلکو ته دا وښائی چې هغوی د پاکستان تر قوماندی لاندی ندی خو داسی پیښی د هغوی موقف شاید حتی د هغوی د پلویانو په منځ کی هم کمزوره کړی او دا هیڅکله د هغوی په گټه نده.

هفت و هشت ثور در یک نگاه

بخش اول

پوهنمل سید عنایت الله شاداب

در این دوهفته که به بهانهٔ بزرگداشت از چهاردهمین سالروز هشت ثور ذهن ها وزبان ها به گونه هایی به پویش افتاد. در این راستا میزگردی از طرف افغان تلویزیون تشکیل گردیده بود که بنده هم در آن شرکت داشتم. تنی چند از اعضای این میزگرد را کسانی تشکیل می دادند که در گذشته ها عضویت شاخه های حزب دموکراتیک را داشتند وحال با تبدیل جامه "دموکراتیک" به "دموکرات" به تکرار همان چاکلیت های می پردازند که تاریخ مصرف آن کاملاً سپری شده است.

موضوع بحث این میز گرد را کالبد شگافی هفت وهشت ثور به حیث زاد روز دو پدیدهٔ اعدام غرور ملی واحیای آن انگیزه ها، پیامدها وبازیگران آن ها در مقیاس ملی وبین المللی. تشکیل می داد. صاحب این قلم خواست در این راستا به بحثی مختصر پیرامون محورهای زیر بپردازم.

۱- نقش روس ها در بنیانگذاری حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۲- نقش روس ها در کودتای هفت ثور

۳- چهرهٔ رهبران حزب د.خ.ا

از آن جا که بحث وپژوهش پیرامون هر پدیده خواه علمی، خواه اجتماعی، خواه سیاسی و... آنگاه درگستره کارکردهای پژوهشی از سنگینی ووزنه برخوردار می شود که پیش زمینه ها وبستر رویش و آبشخور آن مورد ارزیابی قرار گیرد. آری در پی چنین کاری می توان خوبی وبدی وسودمندی وزیانباری یک پدیده را به داوری گرفت وقضاوت کرد که این پدیده خوب وآن پدیده بد است.

با چنین پیش فرضی می شود هفت ثور وهشت ثور را به بحث گرفت و هفت هشت ثور - که به حیث بستر یک پدیدهٔ شوم در حیات ملی ما بدان نگریسته می شود، چطور به میان آمده ونقش بنیانگذاری آن چه جهاتی یاری کرده اند؟ جهات داخلی ویا جهات خارجی؟ و در نقش بنیانگذاری حزب دموکراتیک افغانستان نهادی است روئیده از افکار ونظریات نا آشنا یا منظومه فکری حوزهٔ تمدنی این مرزوبوم وتافتهٔ یی است بافته از تاروپود افکار وآرمان های این ملت.

در مطلب یاد شده گفته "لیاخفسیکی" سر لشکر و معاون وارنسکف رئیس گروه عملیات وزارت دفاع شوروی در کتابش به نام "طوفان در افغانستان" را می توان بخوانش گرفت آنجاکه گفته است: "حزب دموکراتیک خلق افغانستان به کمک مستقیم حزب کمونست اتحاد شوروی بتاریخ یک جنوری ۱۹۶۵ تأسیس گردید".(۱)

ژنرال عمرزی عبدالغنی می گوید: "حزب د.خ.ا که به فرمایش حزب کمونیست اتحاد شوروی در افغانستان بنیان گذاری شده بود رهبران آن نور محمد ترکی وببرک کارمل هردو از جمله اجنتان حزب کمونیست ودر چینل های مختلف با کا جی بی وابسته بودند". (۲)

ببرک کارمل در مجلسی که به مناسبت تجلیل از سالروز پایه گذاری سازمان استخباراتی کا جی بی از طرف عارف صخره در "خاد" تشکیل شده بود گفت: "من افتخار می کنم که در افغانستان اولین شخصی بودم عضویت پر افتخار این سازمان نجاتبخش را حاصل کرده بود". (۳)

ولادی لوزیچ مأمور کا جی بی در ایران در ارتباط به افغانستان در مصاحبه یی با بی بی سی کارمل را یک مامور بالارتبه کی جی بی خواند. (۴)

اتحاد شوروی از همان وقتی که افغانستان را در ۲۷ سنبله ۱۲۹۸هـ ش به رسمیت شناخت بعد از اندک مدتی با افغان ها بود، تصمیم گرفت که در حکومت وقت، افراد وگروه های افغانی نفوذی داشته و از آن ها سربازگیری نماید تا ضمانتی باشد برای منافع استراتژیک آنها در دراز مدت.(۵)

این آرزوی آن ها در سال ۱۹۶۵ مطابق ۱۳۴۳ جامه تحقق پوشید وحزب دموکراتیک خلق افغانستان به همکاری مستقیم آن ها بنیان گذاری شد.

آنچه را که در این جا عنوان کردیم مطلبی نیست فاقد سند ومدرک.

ژنرال های روس هریک جنرال قاریف در کتاب "بازگشت سپاهیان شوروی از افغانستان" وژنرال گروموف در کتاب "ارتش سرخ" و ژنرال مایوروف در کتاب "در افغانستان چه می گذشت" براین مطلب مهر تأیید زده اند واز جمله می توان به گفتار لیاخفسکی اشاره کرد که گفته است: "حزب د.خ.ا تا اواخر سال ۱۳۶۵ شدیداً تحت مراقبت بود و پیوسته هدایات حزب کمونیست را در ساختار تشکیلاتی خود به کار می بست و در سال ۱۹۶۵ نور محمد ترکی پنهانی روانهٔ مسکو شد و در آنجا با کارکنان کمیتهٔ مرکزی حزب دیدار کرد. در این دیدار جانب شوروی شعار عمدهٔ آن را نیز تعیین می کرد و.. (۷)

آنچه امروز برخی از دموکراتیک های دموکرات شده استقلال حکومت نجیب را زمزمه می کنند جز این که در مورد آن همان اصطلاح روس ها به کار رود که می گفتند: "جفنگ محض" است. نمی شود سندی برایش ارائه کرد

و اما نقش روس ها در کودتا:

همان گونه که نقش حزب کمونیست در بنیانگذاری حزب د.خ.ا به روایت ژنرالان روسی به خوانش گرفته شد. می سزد به نقش اتحاد شوروی در کودتای ثور نظر گذرایی بیندازیم

الکساندر لیاخفسکی درمورد نقش روس ها در کودتای ثور می گوید: همین کیسینجر وزیر خارجه امریکا از افغانستان دیدن به عمل آورد و وعده کمک دو میلیارد دلاری را پیشنهاد کرد، حزب کمونیست شوروی از طریق حزب کمونیست هند ونیشنل پارتی پاکستان سعی کرد که اختلاف پرچم وخلق را به حیث یک گام اولی در راستای از میان بردن جمهوری داوود خان از میان بردارد.

لیاخفگی می گوید قرار بود کودتا در ماه اگست مطابق اسد انجام پذیرد.

به روایت انتونی همین ترکی بعد از کودتای ثور این راز را افشا کرد که: "کودتا باید در ماه اسد صورت می گرفت اما بازداشت ها سبب شد که تاریخ کودتا پیش از آن شود".(۸)

دانشمندان انستیتوت نظامی شوروی در کتاب "جنگ در افغانستان" به این حقیقت اشاره می کنند: "روس بعد از آخرین ملاقات برزنیف وداوود نگران گردیده وبرهمین اساس اول تصمیم کودتا وبعدا تجاوز را گرفتند".(۹)

حسن شرق که اکثر او را به حیث یکی از بازیگران کی.جی.بی می خوانند از نقش روس ها در کودتای ثور انکار نکرده واز گفته های پاولوفسکی چنین برداشت ارایه می دهد که روس در کودتا دخالت داشتند.(۱۰)

محمد غوث در کتاب "سقوط افغانستان" در مورد پوزانوف سفیر وقت شوروی در افغانستان می گوید: خبر رسید که باغیان رهبران خلق وپرچم را رها کردند برای من گفته شد که آن ها در عمارت رادیو کابل جمعند... پوزانوف سفیر روس هم در آنجا با آن ها بود.

و اما چهرهٔ به اصطلاح رهبران حزب دموکراتیک:

اعظم سیستانی در کتاب خود به نام "کودتای ثور و پیامدهای آن" در مورد ترکی می نویسد: "نور محمد ترکی رهبر جناح خلق و سلیمان لایق عضو رهبری جناح پرچم اندکی پس از آخرین سفر داوود خان به شوروی وارد مسکو شده و دوسه هفته را در منزل دوریانکوف کارمند برجستهٔ کا.جی.بی و عضو انستیتوت شرق شناسی اکادمی علوم مسکو بود و باش داشتند... وپس از دریافت دستورات مجدداً به افغانستان برگشت. (۱۱)

کارمل بر اساس بیانیه اش در فیلم دو روز پی در پی مردوری و جاسوسی خود را چنین به نمایش می گذارد: "یک افغان تا وقتی افغان کامل گفته نمی شود تا به دوستی اتحاد شوروی ایمان نداشته باشد". (۱۲)

به گفتهٔ لیاخفسکی کارمل در وقت تجاوز روس ها به افغانستان در غند کماندوی چترباز در بگرام تحت ادارهٔ مهم کا.جی.بی بود. در شام ۲۷ دسامبر اندروپف با کارمل تماس گرفت و از سوی خود و برژنف پیروزی مرحلهٔ دوم را به وی شادباش گفت.(۱۳) گروموف فرمانده عمومی اردوی چهلم شوروی در افغانستان در مورد کارمل می گوید: "روشن است که کا.جی.بی در سال ۱۹۷۹ با برگماشتن ببرک کارمل رهبری حکومت تازهٔ افغانستان دچار اشتباه گردیده بود.(۱۴)

مایوروف در کتاب خود "در افغانستان چه می گذشت" نکاتی را در مورد کارمل یاد آور می شود که در دسامبر ۱۹۷۹ بعد از دخول عساکر شوروی و قتل امین، اعضای کی.جی.بی با مشورهٔ بیروی سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی، ببرک کارمل پرچمی و... را به رهبری حزب دموکراتیک افغانستان نصب کردند. (۱۵)

طرفداران نجیب چنین تبلیغی را به راه انداختند که گویا نجیب قهرمان اخراج نیروهای اشغالگر است و به وی افتخار آشتی ملی را نسبت داده و او را در یک چهرهٔ غیر وابسته به تصویر می کشند.

در این که نجیب که بود و چه شناسنامه یی دارد حرف های زیادی است بحث پیرامون شخصیت او از حوصلهٔ این متن بیرون است. اما آنچه اسناد و شواهد گویای آن است که نجیب و همپیاله های او تا آخرین حد تلاش کردند تا نیروهای نظامی شوروی از افغانستان نروند .
د

ژنرال گروموف می نویسد: "حکومت افغانستان تلاش هایی فراوان به خرج می داد تا سپاه چهلم را نگذارد از افغانستان بیرون شوند و نجیب الله پیشنهاد کرد که سربازان داو طلب شوروی را برای نگهبانی فرودگاه کابل و شاهراه کابل ـ حیرتان بگذاریم. (۱۶)

ژنرال محمود قاریف مشاور نجیب در این مورد می نگارد رئیس جمهور افغانستان با پافشاری می خواست تا بخشی از سپاهیان شوروی را در این کشور بگذاریم.(۱۷)

و ارینکوف به وزیر دفاع شوروی "یازف" چنین گزارش داد که نمایندگان بلند پایه تأکید می کردند که بدون سپاه چهلم رژیم نمی تواند روی پا بایستد. آن ها ابراز عقیده می کردند که تصمیم دارند از اتحاد شوروی خواهش کنند که بازگشت سپاهیان خود را متوقف سازد.(۱۸)

با ملاحظهٔ آنچه گفته اند نجیب هرگز حاضر نبود که شوروی از افغانستان خارج شود.

اما آنچه امروز برخی از دموکراتیک های دموکرات شده استقلال حکومت نجیب را زمزمه می کنند جز این که در مورد آن همان اصطلاح روس ها به کار رود که می گفتند: "جفنگ محض" است. نمی شود سندی برایش ارائه کرد.

ادامه دارد

پژواک درد آگین

شعر مقاومت پس از پیروزی مجاهدین

بخش اول —— اسحاق فایز

افغانستان سال های دشواری را پشت سرگذاشت، سال هایی که در آن مردم ما همه چیز خود را از دست دادند. سرگذشت اندوهناک و درد بار مردم ما در دورۀ معاصر افسانۀ فاجعه بار و عبرت آمیزی است و پر آب چشم.

مردم افغانستان پس از دو دهه جهاد و مقاومت در برابر هیولای تجاوز و اشغال پیروزمندانه قامت افراشتند و در ۸ ثور ۱۳۷۱ نخستین دولت مجاهدین در کابل تأسیس گردید.

مردم این پیروزی را به بهای اندکی به دست نیاورده بودند از دریاهای خون گذشته و کشتی شکستۀ وطن را با دادن بیش از یک و نیم میلیون قربانی، به همین شمار معلول و معیوب و بیش از هشت میلیون آواره به ساحل مقصود کشانیده بودند.

سپیده دم پیروزی، به خون نشست و مردم ما بی آن که گرد از قبای خویش بزدایند و بر بساط خانه های ویرانه و خاکستر شدۀ خود پا دراز کنند برای مقابله و مصاف با نیروهای سیاه و طاغوتی و اشغالگران دیگری کمر بستند و به این ترتیب فاجعۀ آغاز یافته از شمال به فاجعۀ خزیده از جنوب جا عوض کرد که شرح ماجرای آن قصۀ هفتاد من کاغذ است و بحثی جدا از این مقال.

رویدادهای دهۀ هفتاد خورشیدی در کشور همانگونه که تأثیرات ناگواری بر زندگی مردم افغانستان گذاشت تأثیراتی بر پدیده های فرهنگی کشور ما نیز وارد کرد که اکنون ما فقط پاره یی از این اثر گذاری ها را بر فرهنگ کشورمان و آن هم بر شعر شاعران افغانستان بررسی می کنیم.

وارد شدن به این بحث خالی از مخاطره و اشکال نیست و تا آنجا که من می دانم کسی تا هنوز به این جسارت دست نزده است. شعر معاصر افغانستان، همانگونه که با آغاز کودتاها در افغانستان و اشغال آن توسط ارتش سرخ تحول و دگرگونی یافت نمی توانست پس از پیروزی مجاهدین و مقاومت گران در کشور و بعد از آغاز رخدادهای فاجعه بار دیگری که با آغاز فصل تازه یی از تاریخ معاصر کشورمان شکل گرفت، نا متغیر باقی بماند.

با آغاز کودتاها در افغانستان، شعر مقاومت شکل گرفت و تکامل یافت ولی با رخدادهای پس از پیروزی مجاهدین در کشور شعر افغانستان راهش را ادامه داد ولی نگرش ها و بینش ها در شعر مقاومت افغانستان با بینش ها و نگرش های تازه یی دمساز شد که من به نوبه به آن ها خواهم پرداخت.

به باور من، پیروزی مجاهدین نتوانست به شعر مقاومت در افغانستان پایان دهد. برای این باور دلایلی زیاد می توان آورد که از جملۀ مهمترین این ها هجوم لشکر سیاه ترور و رخنۀ نظامیان بیگانه به کشورمان می باشد.

شعر مقاومت همانگونه که از نامش پیداست، زبان اعتراض شاعر است علیه آنچه نمی خواهد، علیه آنچه جامعه اش نمی خواهد ولی جبر زمان و نیروهای فشار بر او تحمیل می کنند. شاعر مقاومت باید در برابر اراده هایی بایستد و "نه" بگوید و این "نه" گفتن یا روح اعتراض در شعر افغانستان همچنان باقی ماند.

مثل این که در کشور ما وضع تغییر نیافته بود، اشغال، اشغال و اشغال. خون، ویرانی و آوارگی انسان های سرزمینم ادامه داشت و شاعران کشور این بار نیز نمی توانستند بی تفاوت از کنار این رخدادها رد شوند نوشتند، گفتند و انتشار دادند و مجموعۀ همۀ این فریادها همان "نه" جانانه و فریاد اعتراض آمیزی بود با تفاوت های دیگر:

نکتۀ بسیار روشن در مقال حاضر این است که شعر مقاومت به شعری می گوییم که در آن شماری از شاعران در برابر هرگونه اشغال و مداخلۀ خارجی در امور کشور شان فریاد اعتراض خود را بلند کردند و با این ها، عنصر عوامل داخلی را نیز باید افزود.

از این رهگذر شعر مقاومت بیشتر بر بنیاد آرای سیاسی ـ اجتماعی شکل گرفته که در مقاطع زمانی خاصی در سه دهۀ اخیر در کشور فراز و فرودهایی نیز داشته است.

من به کشانیدن سرنخ شعر مقاومت به دوره های بسیار پیش به سال های مبارزۀ مردم افغانستان در برابر انگلیس موافق نیستم. برای این عدم موافقت دلایلی هم دارم که باید به آن بپردازم.

شعر یک پدیدۀ اجتماعی است، متعلق به انسان هاست و از نهاد و درون آدمی طلوع می کند. با ایده ها، تصورات و اندیشه های آدمی پیوند نا گسستنی دارد. شعر از این جهت نمی تواند در برابر هرگونه تحول اجتماعی در جامعه بی تغییر باقی بماند و از این جهت به نحوی از آن عوامل و رویدادهای خوب و بد اجتماعی رنگ می گیرد.

ادامه دارد

سنگ و گلوله

نگاهی به شعر انتفاضۀ فلسطین

احمد مروی

چکیدۀ مقاله:

از آنجایی که بررسی منظم و احاطۀ همه جانبۀ شعر مقاومت و انتفاضۀ فلسطین دشوار است. آن هم به خاطر فراگیر بودن نهضت و پدید آمدن هر روزۀ مسائل مختلف که در هر شعر مسائل گوناگونی مطرح می گردد و به همین لحاظ دسته بندی موضوعی اشعار را مشکل می کند، و از جانبی محدود نبودن شعر انتفاضه به شاعران فلسطین، چه انتفاضه از لحاظ ماهیت حد و مرز نمی شناسد و مسألۀ فلسطین را از محدودۀ سرزمین های اشغالی به دیگر مناطق اسلامی ـ عربی کشانده است، بادر نظر داشت این مرز بندی ها نمونه یی چند از شعر انتفاضه را مرور می کنیم:

۱-انتفاضه در شعر عربی غیر فلسطین

محور اساسی الهام شاعران را در این شعر سنگ و کودک سنگ انداز "طفل الحجاره" تشکیل می دهد، و سوژه ها و تخیلات زیادی در اختیار ذهن شاعر انتفاضه قرار می دهد که از همه مهمتر آن "مرغان ابابیل" است. نسل کودک و نوباوگان فلسطینی که عظمت دشمن تا دندان مسلح را حقیر یافته و با قطعۀ سنگ و چوپ و فلاخن به رویا رویی با وی برخاسته و آن را به ستوه آورده است، این است که شاعر خیال پرداز عرب را به شگفت و ستایش واداشته طوری که امید و آرزوی آینده را در سیمای کودک فلسطینی می جوید. (۱)

و این هم فرازی از شعر بالا و بلند عبدالله عیسی لُحیلح شاعر متعهد الجزائر:

لک لمجدُ طفلاً یضُمُّ علي صدره بقةٌ من حجر
و نکری عن للاجئین لحیاری لضجر
و یزرع في یلس الأمنیات و في لیلنا نطفةً من شعاع
و في نلنا کبریاء لفتوح، و في حزننا أُغنیات لقطاع
و في صمتنا صرخةَ لفلتحین یمرُّون نحو لجنان زُمر
لک لمجد ... کفحت عنّا ... و أعطیت هذي لعشائر شکلاً و معني
و کُنّا لُخف من لریح ... کنا! ... و نُفه في لناس وزنا
فصرنا بفضل لحجارة أضوی جباهاً و أبهج لوناً
و صرنا ـ فتنا ـ کنا بشراً
و سفت حلم لشیوخ یسوق لشعب إلي مسلخ لمؤتمر
لک لمجدُ طفلاً یضُمّ إلی صدره بقةً من حجر

شاعر وقتی به کودک دلیر و سنگ انداز فلسطین می نگرد او را در حالی می بیند که دسته گلی از جنس سنگ را همراه با یاد آوارگان و پناهندگان به آغوش می فشارد! و با حرکات خود به مسلمانان و اعراب خفته در خواب که ضعیف و خوار شده اند عزت و مجد و افتخار می بخشد. و آنگاه به کوتاه فکری سران فریب خوردۀ عرب که در کنفرانس های به نام صلح و سازش اشتراک می کنند و ملت های خود را به پرتگاه مرگ می برند معترض شده و نیشخند می زند که چرا گول می خورند و می گوید افتخار ما به توست ای که بر سینه داری دسته گلی از سنگ به اعتقاد شاعر وزن مسلمانان و اعراب از باد هم سبکتر بود، اما از برکت سنگی که کودک فلسطینی به سوی غدار می اندازد سرخ رو شدیم و دارای آبرو.

در این فقرۀ کوتاه از شعر طولانی عیسی لحلیح ویژگی های شعر انتفاضه را می بینیم که همۀ آنها به سان زنجیری به یکدیگر پیوند دارند:

۱- مبارزۀ شگفت نسل جدید با سنگ
۲- یاد آوارگان و پناهجویان
۳-احیای عزت و مجد اسلامی
۴- آیندۀ درخشان انتفاضه
۵-امید بخشی به جامعۀ اسلامی وعربی
۶-انحراف سیاسی و بی توجهی سران عرب نسبت به قضایای جهان اسلام

جواد جمیل شاعر عراقی مجموعۀ شعری دارد به نام **"یسألونک عن الحجارة"** و آن را به اطفال الحجاره تقدیم کرده است و او نیز مثل عیسی لحلیح این نهضت را از وقوع در دام مذاکرات صلح برحذر داشته می گوید:

آه یا لون الدماء الطاهرة / آه یا مئذنة الرفض/ بسفح الناصرة
أنا لم أعرف لقاءات العواصم
أنا أدري أننا سکّینةٌ / تقطع إبهام المساوم

از نظر این شاعر هم تمام مذاکرات و دیدارها در پایتخت کشورها بی معناست. اما این شاعر برخلاف خیلی از شاعران انتفاضه علاقه مند الهام گیری از "سنگ" نمی شود و نظرها را معطوف می دارد به حقایق تاریخی و فرهنگی نهفته در پس پدیده ها:

لم تکن ثورتُنا، ثورةَ کف و حجارة
إنّها ساحاتُ مجد و مخاضاتُ حضارة!
إنّها الجُرحُ المقاتل (۴)

نزار قبانی، شاعر سوری هم از همان شاعرانی است که شیفتگی خود را به نسل جدید فلسطین مخلصانه ابراز کرده، نسل دیروز را سرزنش و به کودکان سنگ به دست، عقد امید کرده است. از دلچسپ ترین اشعارش همان قصیده یی است که بر وزن "قصیدۀ بُرده" سروده شده که در آن می گوید:

من عالم الأرض أم من عالم النّجْمِ
من وردةِ الحلم، أم من شوکةِ الندم

در ادامه می گوید:

و سلّحتکم بأحجارٍ مبارکة
مدیدة العمر، اسطوریة الکرم

که ما به خاطر ضیق مقام از تفصیل بیشتر در مورد انتفاضه در شعر عربی غیر فلسطینی خودداری می کنیم.

۲-انتفاضه در شعر مقاومت فلسطین

در یک نگاه می توان گفت که در شعر عربی انتفاضه شتابزدگی و شیفتگی زیادی به چشم می خورد که این شتابزدگی در شعر شاعران مقاومت فلسطین کمتر و تنوع مضامین بیشتر است چون انتفاضه برای آنان یکی از مراحل مقاومت است.

یکی دیگر از نکات قابل ذکر در شعر مقاومت فلسطین به گفتۀ یکی از تحلیل گران شعر انتفاضه همانا کم توجه بودن آن به نقش زن نسبت به نقش کودک است.

و حال شعری می خوانیم از صالح هواری شاعر فلسطینی که در آن زن و کودک فلسطین را همپای همدیگر ترسیم کرده:

هل أتاکم حدیثُ بنفسجة عاشقة
حاکموها بتهمة نقل الحجارة / للعاشقین الصغار!
أم احمد لم تتعود علی النوم / خارج احلامها لیلةً واحدة
فلماذا إذاً حملوها جواز الرحیل/ وقلیلاً من الخبز و الانتظار
أم أحمد عرّافة ناضجة
تفهم الطقس من لهجة الریح/ تعرف سرامد طول / إلـی الموجة الدراجة
کلّما ابعدوها عن النبع أکثر/ شدّت بحنجرة الغیم مولها
ینسفون لها البیت عند المساء / فتبنیه عند الصباح

در این شعر ام احمد همان بنفشۀ عاشق است که کارش جمع آوری سنگ برای کودکان می باشد، او خیلی هوشمند و با تجربه است و می تواند جریانات دیروز و امروز را تحلیل کند، و برای فردا چاره اندیشی می کند و به مبارزۀ خستگی ناپذیر خود در برابر ویرانی کوچ اجباری ادامه می دهد. در شعری دیگر که با الهام گیری از قرآن آن را سروده می گوید:

هي لحرب عین / سنٌّ بسنٌّ و لکنّها حربنا
تکل الآن کل النصوص لهزیلة: غصنٌ بکل لخمیلة/ و طفل بکـل لقبیلة/ و بیت بکل فلسطین(۶) [که خود لهامي لست ز آیـهء ۴۵ سورهء مائده].

در خاتمه شعری دیگر می آوریم که در آن دشمن شدیداً مورد تحقیر شاعر قرار می گیرد و به دشمن می فهماند که حضور شما موقتی است و دیر یا زود صحنه را ترک خواهید کرد. محمود درویش در این شعر با لهجه یی لبریز از اطمینان به پیروزی می گوید:

أیها المارّون بین الکلمات العابرة
إحملوا اسماءکم و انصرفوا / و اسحبوا ساعاتکم من وقتنا، و انصرفوا
و اسرقوا ما شئتمو من زُرقة البحر و رمل الذاکرة
و خذوا ما شئتمو من صُوَر کي تعرفوا/ إنکم لن تعرفوا
کیف یبني حجرٌ من أرضنا سقف السماء

از دیدگاه شاعر اشغالگران در فلسطین حق آب و ریشه ندارند و فقط حضورشان به طور موقت در واژه های زبان و فرهنگ فلسطین می باشد. می گوید دیگر وقتش رسیده است که شما مانند دزدی که نزدیک است به دام بیفتد بار خود را گرفته و بگریزید و بدانید که آینده از آن ملت فلسطین است.

تحقیری که شاعر در این نسبت به دشمنان دارد ناشی از تکرار فعل امر است. انصرفوا ـ اسحبوا ـ انصرفوا ـ اسرقوا ـ خذوا

نتیجه: اکنون بد نیست که ویژگی های بارز شعر انتفاضه را که محور اغلب اشعار مقاومت است بر شماریم:

۱- کودک و نوجوان فلسطین در شعر انتفاضه محور اصلی سخن شاعران است

۲- در آمیخته بودن شخصیت کودک فلسطین در این شعر با واژۀ حجر (سنگ) چنان که به طفل الحجاره ـ مشهور شده است.

۳- زن فلسطین هم در پهلوی نوباوگان آن جهاد می کردند و به شهادت می رسد.

۴-امید دادن به مردم نسبت به پیروزی و خوشبین بودن به پیروزی.

۵- فرامرزی شدن شعر انتفاضه و گسترش حوزۀ نفوذ آن به دیگر نقاط جهان به ویژه سرزمین های عربی و این خود پاسخی است به جنبش ملت فلسطین که عاری از هر گونه گرایش قومی، حزبی و فرقه یی جهت دست یافتن به حق اقدام کرده اند.

۶-الهام گیری شعر انتفاضه از قرآن کریم، و اسلامی بودن روح این شعر.

پی نوشت ها:

۱- فصلنامۀ مطالعات فلسطین سال دوم شمارۀ اول پاییز ۱۳۷۹
۲-اطفال الحجر ـ لحلیح ص۵۲
۳-یسألونک عن الحجاره ص ۴۲ ـ ۴۳
۴-مأخذ سابق همان صفحه
۵-کتاب الإنتفاضه ص ۶۸ ـ صادق عبدالرحیم
۶-همان مرجع ص۵۳
۷-الصوت الفلسطینی فی قصیده الإنتفاضه، مجلۀ آداب ۱۹۹۱ شمارۀ ۴-۶ ص۲-۸

مجاهدین

چی د آزادی دلاری اتلان دی، اوس د بیا رغاونی د بهیر مخکښان هم دی

د "جمعیت اسلامی افغانستان" ستر لارښود او د جهاد او مقاومت ملی مشر استاد ربانی د ننګرهار ولایت د مخورو مشرانو په بلنه دې ولایت ته سفر کړی و، او هلته یې د مجاهدینو د بریا د ورځې (د ثور اتمه) په لمانځلو کې د ګډون په ترڅ کې ارزښتناکه وینا کړې، چې مونږ یې د مجاهد جریدې درونو لوستونکوته وړاندې کوو:

الحمد لله و کفی والصلاه و السلام علی عباده الذین اصطفی وبعد:

ګران ستر جهادی قوماندان ګل آغا شیرزوی او درنو میلمنو او د ننګرهار دیندار او مجاهد ولس!

د ثور اتمه د افتخار او له حماسی نه ډکه ورځ ده چې د افغانستان په تاریخ کښی د یو ډیر مهم پړاو پیل دی.

په دی ورځ افغان ولس د کمونیزم په مقابل کښی ستره کامیابی تر لاسه کړه. د دې ستر بریا تاسی مجاهد ولس ته د زړه له کومی مبارکی وایم او د هغو شهیدانو چی د اسلام او مسلمانانو د عزت او شرف او د افغانستان د آزادی لپاره خپل خان قربان کړی په تیره بیا مرحوم حاجی عبدالقدیر خان ته د الله تبارك و تعالی له دربار څخه مغفرت غواړم.

ورونو! د دې ورځ برياوی یواځې په افغانانو پورې اړه نه لری؛ بلکی تولو نړیوالو لپاره یوه ستر بدلون و. هغه هېوادونه چې د کمونیزم تر ښکیلاك لاندی راغلی وو د ثور له اتمی نه وروسته یې آزادي ترلاسه کړه. له همدې کبله ډیر سیاستوال د افغانانو دا ستره بریا "دعصر معجوزه" یادوي او په همدی نوم د دې ورځ یادونه پرځای هم دي؛ څکه چې اوس په نړی کښی د کمونیزم هغه ویره چی د 1357 د ثور له اوومی نه پیل شوی وه د 1371 د ثور له اتمی نه وروسته له منځه لاړه. د برلین دیوار رانسکور شو او لکه څنګه چې مخکښې مې وویل ډیرو هېوادونو خپله آزادی له کمونیزم نه واخیسته.

د دې ورځې لمانځنه مونږ ته دا خبره یادوی چې زمونږ ولس ولې راپاڅید؟ هدف یې څه و؟

په یقین سره ویلی شو، چې د دې ترشا آزادی او له دینی او ملی ارزښتونونه دفاع زمونږ هدف و، چې د ملت د بریا د راز اساسی عامل ګڼل کیږي.

دا څرګنده خبره ده چې د اسلام له نظره جنګ ښه نه دی: خو کله چې د ستر هدف لاس ته راوړلو لپاره تر سره شي؛ نو بیا خو ستر کار بلل کیږی لکه څنګه چې خدای تبارك وتعالی وایې: "جنګ پر تاسی فرض شوی دي په داسې حال کې چې تاسی یې نه غواړی"

اسلام نه غواړی چې د یو انسان وینه په ناحقه تویه شي او دا ډیره لویه ګناه ګڼل کیږی. لکه چې د اسلام ستر پیغمبر وایې: "کله چې د انسان د وینی یو څاڅکی توی شی د خدای تعالی عرش لړزېږي"؛ نو څکه اسلام د سولی او سلامتیا دین دی نه د شخړو او جنګ!

اوس چې زمونږ ګران هېواد آزاد شوی، مونږ ته نه ښایي، چې خپلمنځي شخړي بیا راوپاروو؛ بلکی مونږ ته په کار دي چې د بیا رغاونی په بهیر کښی ورګډ شو او د هېواد د سوکالی لپاره هلې څلې وکړو او دا د ویاړ ځای دی، چې پرون تاسې په سنګرونو کښی د هېواد د آزادی لپاره شپه او ورځ مو یوه کړی وه؛ خو اوس د هېواد د بیا رغاونی لپاره چمتوییٔ لکه چې زمونږ ورور ګل آغا شیرزوی چې د جهاد په دوران کښی خپل ستر مسئوولیت ترسره کړ اوس د هېواد د بیا رغاونی په بهیر کښې ډیرې هلې څلې کوي. دری کاله مخکښی زه کندهار ته تلی وم. ګل آغا شیرزوی په هماغه وخت د کندهار والی و، کله مې چې هلته د بیا رغاونې چاری ولیدلې ډېر خوشحاله شوم. همدا رنګه د هرات هغه وخت والی ګران ورور اسماعیل خان هم په هرات کښی د بیا رغاونی لپاره ډیر کار کړی و. ماته د ډیر خوشحالی ځای دی چې یو مجاهد د هېواد د خدمت لپاره له هره پلوه چمتو وي د جنګ په وخت کښی هم تر ټولونه مخکښ وای او د بیا رغاونی په بهیر کښی هم.

د کمونیزم له ماتې نه وروسته د نړیوالو لویه اشتباه له افغان ولس سره مرسته نه کول وو: نو څکه زمونږ جهادي ورونو و نه نشو کولای چې دا ثابت کړی چې دوی د بیا رغاونی په بهیر کښی هم له هیچ چا نه وروسته پاتی نه دي.

اوس چې یوځل بیا نړیوال د افغانستان مرستی ته چمتو شوی دی پر مونږ او تاسې دا لازمه ده چې د با ثباته نظام په جوړولو کښی له یو بل سره مرسته وکړو او پری نه ږدو چې ګران هېواد یوځل بیا د خارجی توطئو او دسیسو ښکار شی.

مونږ له ټولو هغو هېوادنونه، چې له مونږ سره په نظام جوړولو کښی مرسته کوي مننه کوو او دا په ډاګه وایو چې مونږ نه غواړو چې څوك زمونږ په ملی او دینی هویت کې لاس ووهی او لکه څنګه چې د نورو دینی د ودونو ته احترام لرو هغوی دې هم زمونږ دینی باورونوته په تیته ونه ګوري.

او په آخر کښې یو ځل بیا په ټینګار سره وایم چې مونږ باید په خپلو جهادی ارزښتونو ویاړو او د دی ترڅنګ د هېواد بیا رغاونه پر مونږ ټولو ستر او درونډ امانت دی او مونږ باید زیار وباسو، چې دا درونډ امانت په ښه توګه سرته ورسوو.

او یو ځل بیا تاسوته د مجاهدینو د بریالیتوب د ورځې مبارکې وایم.

و أقول قولی هذا و استغفر الله لي و لکم و لسائر المسلمین

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

چهاردهمین سالگرد پیروزی جهاد مردم افغانستان تجلیل شد

در سراسر کشور از چهاردهمین سالروز پیروزی جهاد مردم مجاهد افغانستان تجلیل به عمل آمد.

در کابل بدین مناسبت در روزهای هشتم و نهم ثور همایش هایی شکوهمند برپا شد. روز جمعه هشتم ثور به مراسم ژرهٔ نظامی اختصاص یافته بود و شنبه نهم ثور به نمایشهای جالب دانش آموزان معارف و ورزشکاران اولمپیک.

در این همایش بزرگ ژرهٔ نظامی که در میدان جشن برگزار گردیده بود آقای حامد کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان، جمعی از رهبران جهاد، معاونان ریاست دولت، مارشال فهیم، اعضای کابینه، سفرای کشورهای خارجی مقیم کابل، مهمانان و دیپلماتان خارجی، اعضای نیروهای ایساف، ائتلاف بین المللی و یو ناما و هم چنان جمع بزرگی از شهریان کابل اشتراک ورزیده بودند.

رئیس جمهور افغانستان پس از ورود به ساحهٔ جشن قطعات نظامی را معاینه نمود. این همایش با تلاوت آیاتی از قرآن مجید آغاز شد.



پس از آن سرود ملی نواخته شد و حاضران به رسم احترام به سرود ملی کشور به جا ایستادند.

ژنرال ظاهر عظیمی به نمایندگی از کمیسیون برگزاری جشن، ضمن تبریک گفتن این روز به ملت افغانستان، برنامه های این جشن را به معرفی گرفت.

ژنرال عبدالرحیم وردگ به سخنرانی پرداخت و گفت:

امروز تجلیل از روزی است که ملت مجاهد و قهرمان ما متجاوزین را از خاک راندند و شکست جهانی را نصیب آنها ساختند و دلیر مردان



مجاهد با عزم متین وراسخ شان نیروهای اشغالگر شوروی را شکست دادند.

پس از وی حامد کرزی، رئیس جمهور کشور سخنرانی نمود و گفت: چهاردهمین سالروز پیروزی مجاهدین را برای ملت بزرگ افغانستان و مجاهدان سنگر دار و بازماندگان شهدای راه آزادی و استقلال تبریک می گویم. ملت بزرگ افغانستان با امکانات خیلی کم اما با ایمان و ارادهٔ قوی توانست با نیروهای اشغالگر قشون سرخ مبارزه کند. قهرمانی، ایثار و فداکاری های شهدای این ملت حماسه های بزرگ آفرید که در عرصهٔ آزادی خواهی و استقلال طلبی کم نظیر است اما متأسفانه دیری نگذشت، کشورما بازهم آماج مداخلهٔ بیگانگان قرار گرفت و یک بار دیگر افغانستان عزیز ما به کام جنگ های خونین و خانمان سوز فرو رفت و در این میان تروریست ها در کشورما لانه افگندند.

رئیس جمهوری افزود: اکنون که مردم ما با همکاری مجاهدان راه آزادی و استقلال و جامعهٔ جهانی القاعده و تروریستان را از کشور راندند و این کشور به سوی یک نظام با ثبات در حرکت بازهم دشمنان صلح و آرامش این کشور نمی خواهند ما دارای یک نظام با ثبات باشیم. علما، بزرگان اقوام، انجنیران و حتی دانش آموزان را به قتل می رسانند.

حامد کرزی گفت که از رهایی کشور از تجاوز بیگانه و حاکمیت تروریستان چهار سال و اندی می گذرد. هرچند این مدت در تاریخ ملت ها مدت زیادی نیست ولی با آنهم ملت ما آزمون های بسیاری را در راستای نظام سازی به لطف پروردگار موفقانه پشت سر گذاشت چنانچه سال گذشته با پایان یافتن انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی، شورای ملی تشکیل گردید و با آغاز کار شورای ملی ارکان سه گانهٔ کشور مطابق به احکام قانون اساسی تکمیل گردید. بنا برین همچنین ما برای رسیدن به اهداف والای آبادانی کشور آزمون های زیادی را در پیشرو داریم و تحقق این اهداف انسانی نیازمند اراده و عزم راسخ ما و شماست و به توفیق الهی در این راه با عزم راسخ استوار به پیش خواهیم رفت.

او همچنان گفت: در این روز فرخنده از تمام برادرانی که ناخود آگاه در خط دشمنی با هموطنان خویش قرار دارند می طلبم که به خانه های خویش برگردند و در خدمت به میهن شان سهیم گردند و در آخر بهشت برین را برای تمام شهدای راه آزادی و استقلال از خداوند متعال آرزو برد و یک بار دیگر چهاردهمین سالروز پیروزی مجاهدین را برای فرد فرد ملت این کشور تبریک گفت.

گفتنی است که به همین مناسبت از سوی وزارت معارف و المپیک کشور نیز همایشی برگزار گردیده بود.

در این همایش که به روز شنبه ۹ ثور در ستدیوم ورزشی کابل برگزار شده بود، حامد کرزی رئیس جمهور کشور، نور محمد قرقین سرپرست وزارت معارف، برخی از اعضای کابینه، دیپلماتان و شاگردان و جمعی بزرگ از شهریان کابل شرکت داشتند. پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید، نور محمد قرقین وزیر معارف از مجاهدت مردم افغانستان در برابر تجاوزگران یاد آوری کرد و گفت: ملت بزرگ افغانستان همانگونه که در جهاد بر ضد نیروهای اشغالگر شوروی پیروز گردید و برای آزادی از هیچگونه تلاشی دریغ نورزید در سازندگی و عمران نیز تلاش خواهد نمود و از دیگران هیچگاه عقب نخواهد ماند.

در ادامهٔ این مراسم شاگردان مکاتب از مقابل لوژ عبور کردند و مراسم با اجرای نمایشهای دیدنی توسط ورزشکاران و شاگردان مکاتب خاتمه یافت.

فیروز قاریزاده

درخشش علوم تجربی درتمدن اسلامی

بخش اول

سید محمد اشرفی

خورشید تابان اسلام درعصری طلوع کردکه دنیا درظلمت جهل ونادانی فرورفته، کاروان بشریت برسرچندراهی ضلالت، حیران ومضطرب مانده ازصراط مستقیم دورافتاده بود.

پیامبراسلام درجامعه ای مبعوث گردید که برای علم وعلماارزشی قائل نبود وتعداد خط نویسان وباسوادان از۱۷نفرتجاوزنمی کرد.(۱) اما اولین آیه ای که به وی نازل گردید،(اول سورهٔ علق) ازخواندن ونوشتن وقلم سخن گفت وازمقام والای علم تجلیل به عمل آورد، واوباکمال افتخارخودرا معلم خواند، گذشته از آن خداوند انگیزهٔ اساسی بعثت پیامبرگرامی را تعلیم کتاب وحکمت معرفی نمود.(مفهوم آیه دوم سورهٔجمعه)

ظهوراسلام، یک نهضت علمی وتمدنی عظیمی را درپی داشت که هم ازنگاه کمیت وهم ازنگاه کیفیت بی نظیربود. در واقع اسلام باتعالیم تابناک خویش، اساس یک تمدن پرشکوه وغنی را پی ریزی نمود وزمینه را برای ایجاد،رشد وشکوفائی وبالندگی علم وفرهنگ ـ درهمهٔ ابعاد مساعد ساخت.

بدون شک،تمدن اسلامی ازدرخشان ترین دوره های تمدن انسانی به شمارمی رود که به

ظهوراسلام، یک نهضت علمی وتمدنی عظیمی را درپی داشت که هم ازنگاه کمیت وهم ازنگاه کیفیت بی نظیربود. در واقع اسلام باتعالیم تابناک خویش، اساس یک تمدن پرشکوه وغنی را پی ریزی نمود وزمینه را برای ایجاد،رشد وشکوفائی وبالندگی علم وفرهنگ ـ درهمهٔ ابعاد مساعد ساخت

شهادت مؤرخین منصف،فرهنگ وتمدن جهان امروزمدیون آن است. کتابهای، تمدن اسلام وعرب» تألیف«گوستاولوبون» فرانسوی و«خورشیداسلام برفرازمغرب زمین » از«خانم زگرید هونکه»آلمانی، ازاین نوع شهادت ها مشحون است.

همزمان بابعثت پیامبراسلام،دونیروی بزرگ برجهان حاکم بود: بیزانس(روم) وایران، اولی درباتلاق تعصبات دینی، ودومی دراسارت تعصبات قومی فرورفته بود. آموزش علم وحکمت درقلمروبیزانس دراحتکارطبقهٔ روحانیون ورجال دین، ودرسرزمین ایران درانحصارطبقهٔ حکام وشهریاران قرارداشت. درچنین شرایطی اسلام بامطرح کردن دارالاسلام ـــ که به تعبیردکترزرین کوب ـــ مرکزواقعی آن قران بود نه شام ونه عراق(۲) وباتوصیهٔ تسامح وتساهل دربرابراهل کتاب، تعصبات دینی را مردود شماریده تبلیغ وترویج علم را برهمگان لازم گردانید، واحتکارعلم را ممنوع قرارداد ودرحقیقت روح تازه ای برجهان آن روزدمید که موجب یک خیزش فرهنگی عظیم ویک رستاخیزعلمی بزرگ گردید.

درتمدن اسلامی، علم دلیل ایمان ورهنمای عمل ودروازهٔ سعادت دردنیاوآخرت محسوب شد. ازهمین جهت بود که برخلاف تاریخ مسیحیت، درتاریخ اسلام، میان دین وعلم هرگزتضاد وتصادم رخ نداد، ودانشمندان واندیشمندان مسلمان درپژوهشهاوآزمایش های علمی، خطری برای ایمان ندیدند وبه بیان شیخ الاسلام ابن تیمیهٔ حرانی، میان «صریح معقول وصحیح منقول » تعارضی نیافتند. هنگامی که (گالیله) به جرم اظهاراتش درمورد حرکت وکرویت زمین، به زندان وشکنجه محکوم می شد، طرح چنین بحث هایی درجهان اسلام، یک امرکاملاً عادی بود. مسلمانان قرنهای متمادی پرچمدارعلم وحکمت بودند ودرهمه رشته های علوم وفنون مقام پیشاهنگی واستاذی داشتند.

بطورمثال درعلوم تجربی یا طبیعی که موضوع بحث ما می باشد:

ـــ ابن هیثم بصری بزرگترین فزیک دان مسلمان ویکی از محققان برجستهٔ علم مناظروفزیک نوردرتمام ادواربود. کارهای وی درمسائل مربوط به علم مناظر، سرمشق اروپائیان شد، چنانکه، هم «راجربیکن » وهم «کپلر» بنابراعترافات خود شان ازوی تأثیرپذیرفته اند؛ ودرواقع تحقیقات ابن هیثم دربارهٔ نوروقوانین انکساروانعکاس آن بود که منشأ کشفیات بعدی گردید.

ـــ جابربن حیان تاهنوزدراروپا به عنوان پدرکیمیا شناخته می شود، وهموبود که برای اولین بار کیمیارا به عنوان یک علم تجربی شناساند.

ـــ خوارزمی اولین کسی بود که درباب جبرومقابله کتاب نوشت، تاجاییکه نام وی به شکل(الگاریتم) algdrism دراروپا معادل فن محاسبه تلقی شد. عنوان علم جبرباقی ماند، وتاقرن ۱۷ مبنای مطالعات ریاضی درمغرب زمین بود.

ـــ هم چنین کتابهای دانشمندان مسلمان درعلم نجوم، هم ازحیث وسعت وهم ازلحاظ دقت اعجاب برانگیزبود وهست که ازجمله «صورالکواکب» عبدالرحمن صوفی و«زیج» ابن یونس و«زیج» الغ بیک رامی توان نام برد.

درعلم طب «قانون» ابن سینا و«الحاوی » رازی و«کلیات» ابن رشد بیش ازپنصد سال به عنوان مراجع مهم ومعتمد مورد استفادهٔ اروپائیان بود.

درعلم داروسازی کتاب «الجامع فی الادویه المفردهٔ» تالیف ابن بیطارکه حاوی ۱۴۰۰ نوع ادویه مفرده می باشد، ازکتابهای منحصربه فرد عصرخویش است.

ساعت قطب نما واصطرلاب، نخستین بارتوسط مسلمانان اختراع شد وآرزوی پروازاززمین خاکی به سوی آسمانهای بلند اولین بارتوسط یک نفرمسلمان جامهٔ عمل پوشید وآن کسی نبود جز«عباس بن فرناس» قرطبی درقرن نهم میلادی که بااختراع یک دستگاه پرواز، این آرمان دیرینهٔ انسانی را درعمل تجربه نمود.

«ابن عوام » اندلسی درقرن ششم هجری در«کتاب الفلاحهٔ» ازانواع گیاه ها ومیوه ها واقسام کودها وحتی امراض نباتات به تفصیل سخن رانده وگوی سبقت را دراین میدان ازاروپائیان ربوده است.(۳)

عامل اساسی این همه ترقی وپیشرفت وانکشاف ونبوغ که مسلمانان درزمان ازدهارشان ازخویش بروزدادند، وبعنوان «معجزهٔ اسلام » درتاریخ تلقی گشت، خوداسلام بود، که باتوصیه وتشویق بی نظیر،ذوق معرفت جوئی وحس کنجکاوی را درمسلمین برانگیخت،و چنانچه قبلاً اشاره کردیم علم را ازانحصارطبقات معین بیرون نمود وبه دسترس همگان گذاشت،و کتمان آن را حرام قطعی وطلب آن را واجب شرعی قرارداد.

«نهرو» دانشمند وسیاستمدارهندی دراین باره می نویسد: «شگفت انگیزاست این نژاد عرب که درطول قرون دراز، انگاردرحال خفتگی بسرمی برد وازآنچه درسائرنواحی اتفاق می افتاد جداوبی خبربود،تاگهان بیدارشد وبانیرووقدرت شگرف دنیارا تهدید کرد وزیرروساخت، فرهنگ وتمدن عالی وبزرگی بوجودآورد که یکی ازشگفتیهای تاریخ بشری می باشد. نیرووفکرتازه ای که اعراب را بیدارساخت وایشان را ازاعتماد به نفس وقدرت سرشارنمود، آئین اسلام بود»

منظورمادراین مقاله توضیح این حقیقت است که اسلام نه تنها مخالف علم بمعنای اروپایی آن که همانا علم تجربی یاساینس است – نیست، بلکه قرآن وسنت باتعالیم روشنگر خود بسترمناسبی رابرای رشد همهٔ علوم، منجمله علم تجربی آماده ساخته است. پدران ماباتمسک به مبادی این دین نجات بخش،خود را به بلندترین قله های ترقی وتعالی عصرخویش رساندند.وپیشاهنگ کاروان بشریت شدند، ماهم تکیه به میراث فرهنگی ومعنوی خویش وباالهام ازتعالیم والای این مکتب توحیدی می توانیم خودرا ازاین حالت نکبت بارعقب ماندگی ووابستگی برهانیم، وبااعتماد به نفس، ایستادن دربرابرطوفانهای سهمگین زمان وسیلاب ویرانگرتهاجم فرهنگی غرب، را تجربه کنیم، اصولی را که اسلام برای ایجاد، زمینه سازی، شگوفایی وتقویت علوم تجربی، وضع کرده بطورفشرده ازاین قراراست:

۱- ایجاد تفکرعلمی:

معمولاً دوگونه طرزتفکردرمیان مردم وجود دارد، یکی طرزتفکرخرافی یاعامیانه است که براساس آن هرچه به انسان القامی گردد تصدیق می کند ومی پذیرد بدون اینکه موضوع را مورد آزمایش ویابحث ومناقشه ومداقه قراربدهد. بخصوص اگرازطرف بزرگان ونیاکان باشد، ویامورد پذیرش اکثریت مردم قرارگیرد شعارصاحبان این طرزتفکر، همانست که درقرآن کریم بعنوان تقبیح ازمشرکین عرب نقل شده است: «حسبناماوجدناعلیه آباءنا» (مائده: ۱۰۴)

یعنی آنچه که پدران خویش را بران یافتیم برای ماکافی است.

درجهت مخالف آن: «طرزتفکرعلمی موضوعی » وجوددارد، که برمبنای آن، آدمی هیچ نتیجه ای رابدون مقدمه وهیچ ادعایی را بدون دلیل نمی پذیرد،وجزبه دلیل وبرهان تسلیم نمی شود، ودرجایی که یقین مجرد وعلم محقق لازم است، به احساسات وتخمین وگمان وحدسیات اعتماد نمی کند.

قرآن کریم وسنت نبوی اساسات، مستلزمات ومقومات ایجاد چنین طرزتفکررا به طورکامل

درتمدن اسلامی، علم دلیل ایمان ورهنمای عمل ودروازهٔ سعادت دردنیاوآخرت محسوب شد. ازهمین جهت بود که برخلاف تاریخ مسیحیت، درتاریخ اسلام، میان دین وعلم هرگزتضاد وتصادم رخ نداد، ودانشمندان واندیشمندان مسلمان درپژوهشهاوآزمایش های علمی، خطری برای ایمان ندیدند

فراهم ساخته است.بطورمثال اولاً قران کریم: به مردم گوشزد می نماید که هیچ ادعایی رااز هرکسی که باشد، باید بدون دلیل نپذیرند. دلیل درامورعقلی ونظری برهان، ودرامورحسی مشاهده وآزمایش، ودرامورنقلی صحت وقوت روایت است.قران کریم دربارهٔ اولی می فرماید: «قل هاتوابرهانکم إن کنتم صادقین» (نمل:۶۴) بگوبرهان خویش را بیاورید اگرراست می گویید. ودرمورد دومی می گوید:«وجعلواالملائکهٔ الذین هم عبادالرحمن إناثاً أشهدواخلقهم» (زخرف ۱۹) وفرشتگان را که بندگان خدایند ازجنس زن قرارداده اند، آیاشاهد خلقت آنها بوده اند؟

ودربارهٔ سومی می فرماید: «ائتونی بکتاب من قبل هذا،أثارةمن علم إن کنتم صادقین» (الأحقاف ۴) ای پیامبربه مشرکین بگوکه برای درستی ادعاتان مبنی برشریک داشتن خدا برای من دلیلی ازکتابهای پیشین ویانشانه ای ازعلم بیاورید، اگرراست می گوئید.

ثانیا: اسلام درهرموضوعی که مستلزم یقین جازم وعلم قطعی ومؤکد باشد، اجتناب ازگمان وتخمین را ضروری میداند. قرآن کریم اعتقاد مشرکین دربارهٔ خدایانشان را بخاطری که به ظن وگمان متکی است مردود دانسته (النجم ۲۷) وپیامبراکرم دستورمی دهد که «إیاکم والظن فان الظن أکذب الحدیث»(۵) یعنی ازگمان پرهیزکنید، زیرا که گمان دروغ ترین خبرها است.

ثالثاً: قران مردم را توصیه می کند که درداوری های خویش ازاحساسات وعواطف شخصی وخواهشات نفسانی وپیشداوریهای ناشیانه وغرض آلود بپرهیزند وبابیطرفی کامل وموضوعیت به امورنگاه کنند.(۶)

رابعاً: اسلام برضد جمود وتحجرمبارزه کرده، تقلید وپیروزی کورکورانه ازپدران ونیاکان ورهبران وبزرگان را منع فرموده است. قرآن کریم آنانی را که ازپدرشان کورکورانه تقلید می کنند به شدت محکوم نموده می فرماید: « هرچندپدرشان تعقل نکنند وراه هدایت را نیابند؟» «ألوکان اباءهم لایعقلون شیأ ولایهتدون» (سوره بقره: ۷۰)

هم چنین درسوره اعراف آیهٔ ۳۷بیان می دارد که کسانی که ازرهبران وبزرگان خویش کورکورانه پیروی می کنند وبه گمراهی می افتند، درروزقیامت هرکدام ازدیگربرائت وبیزاری خویش را اعلام می دارند ومسؤلیت را بردوش یکدیگرمی اندازند.پیامبراکرم صلی الله علیه وسلم ازدنباله روی وپیروی بی دلیل ازعامه مردم نهی فرموده می گوید: «لایکن أحدکم إمعهٔ یقول :إن أحسن الناس أحسنت وإن أساؤواأسأت، ولکن وطنواأنفسکم إن أحسن الناس أن تحسنواوإن أساؤواألاتظلموا» یعنی دنباله روباشید وبگوئید: من باامردمم، اگرخوبی کردند، خوبی می کنم واگربدی انجام دادند، بدی می کنم، بلکه نفسهای خود راچنان آماده کنید که اگرمردم کارنیک کردند، کارنیک انجام دهید، وچنانچه مرتکب اسائت وبدی شدند، ازشما ظلمی سرنزند. (۷) هرچند ظاهراین حدیث متوجه سلوک اخلاقی است ولی ما آن را درقلمروعلم واندیشه نیزقابل تعمیم می دانیم.

خامساً: قران کریم انسانها رابه تفکردرخلقت آسمانها وزمین واسرارکائنات (۸) وتأمل دراعماق نفس انسانی امرفرموده است، چنانچه درمورد اخیرمی فرماید:«وفی انفسکم افلاتبصرون»(ذاریات ۲۱) ونشانه های قدرت الهی درنفسهای خودتان وجود دارد آیا نمی بینید؟

هم چنین قرآن کریم به مردم دستورمیدهد که درزمین وزمان سیرکنند ودرسرنوشت اقوام وملل وسنن حاکم برجوامع بشری دقت وتعمق نمایند ودرس عبرت بگیرند. «قدخلت من قبلکم سنن فسیروافی الارض فانظرواکیف کان عاقبهٔ المکذبین» (آل عمران: ۱۳۷) قطعاً پیش ازشما سنتهای (بوده و)سپری شده است. پس درزمین بگردید که فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است؟

سرچشمه ها:

۱- فتوح البلدان، بلادزی، ص ۴۳۷.

۲- کارنامه اسلام، داکترعبدالحسین زرین کوب ص ۲۲.

۳- همان کتاب، صفحات ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۷۰، ۷۲، ۷۳ و۷۵.

۴-جواهرلال نهرو،نگاهی به تاریخ جهان ۷/۱۷۷.

۵- روایت بخاری وترمذی.

۶- سوره ص ۲۶وسوره نجم : ۲۳وسوره قصص آیه ۵۰.

۷-روایت ترمذی.

۸- سوره اعراف :۱۸۵.

کارایی کابینهٔ جدید

چالش ها و پی آمدها

عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

در کابینهٔ جدید تعدادی از وزارت خانه ها، در وزارت های دیگر ادغام گردیده است. با وجود حذف بعضی از چهره های سیاسی گذشته تغییرات کلی، در هیأت کابینه دیده نمی شود؛ بلکه اکثریت همان وزیران پیشین با جابجایی در کابینهٔ جدید، حفظ گردیده اند. برخلاف تصور و در ظاهر امر به دلیل نیازهای متقابل جریان سیاسی داخل و درون مجلس نمایندگان (ولسی جرگه)، جریان رأی اعتماد به نفع حکومت پایان یافت و بیشتر از هفتاد در صد اعضای پیشنهادی دولت رأی اعتماد از پارلمان به دست آوردند.

در کابینهٔ جدید عده یی از وزیران پیشین حضور دارند که مردم از کارکردهای آنها راضی نیستند و یک تصور منفی هم اکنون در برابر حکومت جدید به وجود آمده است. این تصورات منفی می تواند به میزان نارضایتی مردم بیفزاید؛ زیرا هر قدر اعتماد مردم از حکومت کمرنگ شود،

به همان تناسب ادارهٔ حکومت به فساد مواجه می گردد و هیچ پیمانی و هیچ کشوری نمی تواند این خلأ به جا مانده را پر سازد و هیچ اردویی، هر قدر قوی، قادر به استقرار نظم و امنیت نخواهد بود.

واقعیت این است که افغانستان با چالش های بزرگ مثل فقر، بی کاری، مواد مخدر، فساد اداری، بی ثباتی، نا امنی و نبود فرصت های شغلی و صدها مشکل دیگر مواجه است و بحران اعتماد میان مردم و حکومت بیشتر می گردد. همان وزیرانی که در گذشتهٔ کاری خویش نا موفق بوده اند، دوباره سر و کلهٔ آنها ظاهر شده است. اما یکی از پیام های مهم این کابینهٔ پیشنهادی، قربانی شدن کسانی بود که جز اسناد تحصیلی ومشارکت در پروسهٔ ملی روم تا کابل از هیچ پایگاه قومی و حزبی برخوردار نبوده اند.

برخی از اعضای مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) به دلایل گوناگون، انگیزهٔ چندانی برای رد برخی از اعضای کابینهٔ پیشنهادی نداشتند و برخی هم امیدی برای افراد بهتر در صورت رد شدن آنها از سوی حکومت نداشتند.

حکومت های ناکار آمد، بر معضل کشور افزوده است، مردم را به آرزوهای شان امیدوار ساختن، اما در عمل کاری از پیش نبردن، باعث ضعف اعتماد مردم می گردد، راه اعتماد همانا بازگشت حکومت به سیاست اصلاحات سراسری در کشور است. اگر حکومت موفق به مهار مشکلات و حل دشواری ها نگردد، آهنگ موفقیت سیر معکوس خواهد داشت.

در کابینهٔ جدید عده یی از وزیران پیشین حضور دارند که مردم از کارکردهای آنها راضی نیستند و یک تصور منفی هم اکنون در برابر حکومت جدید به وجود آمده است. این تصورات منفی می تواند به میزان نارضایتی مردم بیفزاید

طوری که دیده می شود یک نوع بحران اعتماد میان ولسی جرگه و حکومت وجود دارد و هر روز عمق

طوری که در تفسیر مادهٔ ۱۰۶ قانون اساسی که به طور مشخص به تصامیم شورای ملی ارتباط می گیرد، چالشی بزرگی میان ولسی جرگه و حکومت به وجود آرود و تفسیر این ماده از جانب رئیس جمهور به ستره محکمه سپرده شد که اساسا از نظر مفاد قانون اساسی تفسیر قانون اساسی به عهدهٔ ستره محکمه نیست

بیشتر به خود می گیرد و این بحران اعتماد در کل، جامعهٔ پس از جنگ افغانستان را در دایره یی از بی اعتمادی و نا باوری در برابر دولت قرار داده است، کمتر کسی است که این دولت را کارا، عادل و منصف به حساب آورد. بلکه برخورد منافع گروه های مختلف در این دستگاه جمع شده است.

این چالش هایی است که در برابر حکومت جدید وجود دارد. گرچه در کابینهٔ جدید تعدادی از وزیران نتوانستند رأی اعتماد به دست آرند.

تجربهٔ چند سال گذشته نشان داد که برخی از وزیرانی که مورد اتهام سوء استفاده از دارایی های عام قرار گرفتند از جانب رئیس دولت مورد حمایت قرار گرفتند و در این اتهام ها اغماض صورت گرفت. از سوی دیگر آنچه که در داخل مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) خیلی ها مأیوس کننده است، عدم موجودیت یک اپوزیسیون دارای برنامهٔ کاری و دارای تفکر عالی در برابر دست اندازی های حکومت در برابر تصامیم ولسی جرگه است. در داخل پارلمان یک اپوزیسیون نیرومند که تعدادی را به دنبال خود در پارلمان بکشاند وجود ندارد، فقط تک فردهایی وجود دارند که گاه گاه شیوهٔ کاربرد، طرز العمل داخلی و روند کاری مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) را به انتقاد می گیرند و از قانون شکنی و بی مبالاتی اعضای اداری پارلمان زبان شکایت باز می کنند، در چنین جوّ و فضای موجود در ساحت و قلمرو پارلمان به یقین حکومت در همکاری با قوهٔ قضائیه می تواند آنچه را خواسته باشد انجام دهد.

طوری که در تفسیر مادهٔ ۱۰۶ قانون اساسی که به طور مشخص به تصامیم شورای ملی ارتباط می گیرد، چالشی بزرگی میان ولسی جرگه و حکومت به وجود آرود و تفسیر این ماده از جانب رئیس جمهور به ستره محکمه سپرده شد که اساساً از نظر مفاد قانون اساسی تفسیر قانون اساسی به عهدهٔ ستره محکمه نیست بلکه از صلاحیت کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی است که هنوز، در افغانستان این کمیسیون از جانب رئیس جمهور ایجاد نگردیده است. به یقین همکاری حکومت وقوهٔ قضائیه در برابر پارلمان کشور بحران حکومت و پارلمان را عمیق ساخته و این گونه همکاری های میان دو قوهٔ دولت بحران کشور را عمیق تر خواهد ساخت.

افغانستان به یک انکشاف متوازن نیاز دارد و این انکشاف می تواند در همکاری با قوه های سه گانهٔ دولت سازماندهی گردد، هر نوع رخنه و سوء تعبیر از فیصله های این ارگان، جریان بازسازی در کشور را به سکتگی مواجه می سازد، چیزی که در اولویت کاری دولت قرار دارد و مردم منتظرند، تا زمینه هایی رفاهی آنها فراهم گردد، در غیر آن تشکیلات طویل ارکان دولت کاری را از پیش نخواهند بر دو گرهی بر گره های موجود کشور افزوده خواهد شد.

د ۱۰۶ مادې پر سر ...

آیا دا په دې مفهوم نه دی چې ولسي جرګه د مقننه قوې د چارو پر مخ بیولو کې پاتې راغلې دی؟

د ۱۰۶ مادې په سر شخړه د ممتنع رایو پر سر پورته شوه. ستره محکمه استدلال کوي چې هغه کسان چې ممتنع رای کاروي ده باید غیر حاضر وګڼل شي. سوال دا دی چې که په یو جلسه کې د ممتنع رایو تعداد نیمائي څخه زیات شي نو هغه جلسه له تاکلي نصاب څخه پریوزي؟

که داسې وي نو ولې دغه مهمه مسئله په اساسي قانون کې ذکر شوې نه دی؟

اصلي خبره داده چې دا یو سیاسي لوبه ده چې د دیموکراسۍ تر نامه لاندې په افغانستان خلکو باندې ترسره کیږي او هغه مرجع چې باید د اساسي قانون څخه دفاع وکړي، پخپله اساسي قانون د یو لوبې د وسیلې په شکل کاروي.

جمهور رئیس په خپل لوړې په مهال په داسې حال کې چې خپل ښي لاس په قرآن مجید ایښي وو لوړه وکړه چې د اساسي قانون حفاظت به کوي خو اوس همدا اساسي قانون د جمهور رئیس لخوا تر پښو لاندې کیږي. او دا د افغانستان لپاره یو بل لویه غمیزه ده.

خلک نوی کابینې ته هیله ...

له هغو ډالرو څخه ډک کړل چې مرستندویه هېوادونو د دغه هېواد د رغوني او بیا ودانولو لپاره رالیږلي و ترڅو موږ وربانده خپل هېواد جوړ او په خپلو پښویې و دروو؛ خو دا چې دوی وربانده څه وکړل تاریخ به حتما وربانده قضاوت وکړي.

هغه مهال چې بهرنیانو زموږ هېوادته پاملرنه وکړه او بې شمیره ډالر یې راواستول؛ نو که پرځای او د هغو مهمو او ضروري او بنیادي څیزونو لپاره په کار ورل شوي وای لکه د اوبو د بندونو جوړیدل، د ولایتونو ترمنځ د سړکونو جوړیده چې تر هر څه زیات اغیزه یې د سولې او امن په برخه کې زیاته وه همدا رنګه د تولیدي فابریکو رامنځته کیدل چې له دې لارې مو کولای شوای خپل تولیدات بازارونوته وړاندې کړي وای؛ نو له یوې خوا به مو د اقتصادي پیاوړتیا په برخه کې یو څه کړي وای او له بلې خوا به مو د بې روزګاره کسانو لپاره د کار زمینه مساعده کړي وای چې دا کار و نه شو خو پر دې سربیره بیا هم یو شمیر وزیرانو د دې مجال پیدا کړ چې د خلکو د استازو له خوا غوره شي او د اعتماد رایه یې لاسته راوړه یو ځل بیا خلک دې ته هیله من دي چې دا ځل به پر لوړو بستونو ناست کسان د هغوی هغه هیلې چې تر اوسه لاندې پوره شوي پوره کړي او دا ځل به د هېواد په پرمختګ کې مثبت ګامونه پورته کړي او هغه بنیادي پروژې به په پښو ودریږي چې کولای شي په لنډ وخت کې دا هېواد د پرمختګ په لور وهڅوي او د پرمختللو هېوادونو په کتار کې یې ودروي.

هفته نامهٔ

مجاهد

وانان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند

● مطالب آمده مسترد نمی گردد .

● آرا واندیـــــشه هـــــای مقــــالات غیــــر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضاي خداوند(ج) هدف ما

حضرت محمد(ص) رهبر ما

قرآن قانون ما

جهاد راه ما

شهادت در راه خدا از عالیترین آرزوهای ملت

دور هفتم سال پنجم شمارهٔ پنجم چهارشنبه ۱۳ ثور ۱۳۸۵ ۴ ربیع الثانی ۱۴۲۶ — May 3, 2006

په ننګرهار کې د جهاد او مقاومت رهبر ته شانداره ښه راغلاست و ویل شو

د روان کال د ثور پر اوومه د ننګرهار ولایت د یو شمیر جهادي او ولسي مشرانو په بلنه د جهاد او مقاومت مشر استاد رباني د ننګرهار ولایت مرکز جلال آباد ته پر سفر لاړ.

همدی ورځې له غرمې مخکې جلال آباد ته په رسیدو د ننګرهار والی ګل آغا شیرزوی ورته ښه راغلاست و وایه او د قاری اسرار الله په امامت د ماسپښین لمانځه تر ادا کولو وروسته غرمني یې له حاجی پیر محمد سره وخوړه. وروسي استاد او ورسره ملګری د ننګرهار د والی مرستیال ډاکټر محمد آصف په میلمستیا هډی ته لاړل او د "نجم المدارس" مدرسه یې وکتله او د دې ځای په جومات کې یې طالب العلمانو او ولسي خلکوته د علم د زده کړې پر اهمیت او د وطن د رغاونې په باب اوږدې خبرې وکړې، د دی مدرسې د کتابتون او د شهیدانو له زیارت وروسته استاد د هډی فارم کلوب ته راستون شو او هلته یې سره د جهادي تنظیمونو له یو شمیر غړو سره وکتل او شپه یې همدلته تیره کړه.

د ثور پر اتمه سهار مهال یې په بهسودو ولسوالی کې د شهید مولوی همیم کاکړ د مدرسې د فارغانو د بري لیکونو د توزیع په مراسمو کې برخه واخیسته او ورپسی په لسو بجو د ثور د اتمی د مجاهدینو د بریا دورځې په مراسمو کې ګډون وکړ او په مراسمو کی استاد وینا وکړه چې په همدی ګڼه کې یې ولولی.

استاد تردې مراسمو وروسته د حاجی عبدالقدیر پر مزار د ګلو ګیډۍ کېښوده او دعایې ورته وکړه. غرمنې یې له والی سره وخوړه او د جمعی دلمانځه تر ادا کولو وروسته د پهلوان سید محمد په بلنه د هغه کورته لاړل او د ماښامنی تر خوړو وروسته د شپې ته د هډی د فارم کلوپ ته لاړل.

استاد د شنبی پر ورځ (9 ثور) په ننګرهار پوهنتون کې څه د پاسه یو ساعت وینا وکړه، چې په راتلونکی ګڼه کې به خپره شي.

په بیرته راستنیدوکې په سروبی کې جهادی قومندان روزی خان د استاد او ملګرو ښه راغلاست ووایه.

د مجاهد خبریال د استاد دا سفر د ملی مزو د ټینګولو او د با ثباته نظام جوړولو لپاره اغیزمن ارزوی او کوم استقبال چې له استادنه وشو، او هر چیری چې له خلکو سره خبری اترې وشوی، ولس ملی وحدت او د وطن بیا رغاونه غوښتنه ده.

د افغانستان د حقوق پوهانو د اتحادیی مطبوعاتی کنفرانس

دوشنبی د وری په یولسمه نیټه د مطبوعاتو په بین المللی تالار کښی د افغانستان د حقوق پوهانو اتحادیه د اساسی قانون د ملاتړ تر عنوان لاندی یوه مطبوعاتی کنفرانس جوړه کړی وو.

په دی غونډه د دی اتحادیی مشر او د حقوقو د پوهنځی استاد ګلرحمان قاضی خیل پرانیستونکی وینا واوروله. دی په خپلو خبرو کښی وویل چی د افغانستان د اساسی قانون ۱۰۶ ماده بلکل صریح او بی له ابهام مضمون لری. نو په دی اساس دا ماده تفسیر ته اړتیا نه درلوده. ولسی جرګه، ولسمشر او ستره محکمه دری واړه په دی هکله سیاسی ملحوظات په نظر کښی نیولی دی نه قانونی اساسات.

د افغانستان د حقوق پوهانو اتحادیه خپل دریز په دی هکله داسی څرګند کړه:

د اساسی قانون د ۱۰۶ مادی په سر اختلاف چی داسی صراحت لری. (د ملی شوری د هر مجلس نصاب د رایو د اخیستو په وخت کښی د هر جرګی د غړیو د اکثریت په حضور بشپړیږی او تصمیمونه یی د حاضرو غړیو د رایو په اکثریت نیول کیږی. مګر په هغه مواردو کښی چی اساسی قانون بل ډول تصریح کړی وی).

د دی مادی د ابهام لامل ندی او نباید د هغه د تطبیق پر سر جنجال د زمونږ د وطنوالو د تشویش موجبات برابر کړی وای. ځکه چی دا ماده په دوه مهم محوری موضوع ګانو مشتمل دی:

لومړی: په هر غونډه کښی د رای اخیستنی لپاره د نصاب موضوع تشریح کړی دی چی د اکثریت استازو د حضور مسئله ده.

دویم: په غونډه کښی د اکثریت حاضرو استازو پر بنیاد پریکړی تصریح کړی ده.

د مثبت، منفی او ممتنعو آراوو په هکله هم خبره روښانه ده. د تایید او د رد رای بلکل جوته ده خو د ممتنع او باطلو رایو په باره کښی ځنګه چی له هغو له لغوی او اصطلاحی معناوو څخه معلومیږی، ممتنع د امتناع کولو په معنا ده چې د هغه معکوس، د قبول او یا د منلو په معنا دی. نو ویلای شو چې امتناع منفی او منل مثبت دی. سربیره پر دی د ۱۰۶ مادی په متن کښی د اکثریت د پریکړی مسئله په صراحت سره ذکر شوی دی. دا چی په کوم دلیل د باطل او یا ممتنع رای په موجودیت، اکثریت له لاسه ورکول کیږی، په قطعی توګه د بحث موضوع نده او نه ښایی چې د پورتني صریح متن پرخلاف توجیه وشي. په دی ترتیب رد او ممتنع یوه جهت او تایید او منل بل جهت افاده کوی.

له بلی خوا د ماده یا مطلق اکثریت په یوشپیتمه ماده کښی داسی تصریح شوی دی چی ۵۰+۱ دی او عملاً د یو مرحلوی اکثریت مفهوم افاده کوی.

د افغانستان د حقوق پوهانو اتحادیه داسی نظر لری چې د اساسی قانون د ۱۰۶ مادی متن د پارلمان دواړو مجلسونو د پریکړی لپاره په کامله توګه روښانه او صریح وو او هیڅ ډول تعبیر او تفسیر ګنجایش په کښی نشته. د افغانستان د جمهوریت دری ګونو قواووته لازمه وه چې د اساسی قانون د صریح احکامو د تطبیق لپاره لاره هواره کړی وای.

نو د افغانستان د حقوق پوهانو اتحادیه د یو مستقل حقوقی نهاد په صفت د ټولو مدنی سازمانونو په همغږی له اساسی قانون څخه چې د افغانستان د ټولو وګړو د ارادی او د افغانستان د علیا مصالحو ممثل دی، په غوڅه توګه ملاتړ کوی او د افغانستان په ګوټ ګوټ کښی د قانون د پلی کیدو غوښتونکی دی.

آدرس

مجاهد

در اینترنت

Website: www. mujahid1357 .com

E-mail: Mujahid1357@Yahoo.com

اعتصاب و تظاهرات میلیونی مهاجران مقیم آمریکا

صدها هزار مهاجر در آمریکا با هدف برجسته ساختن نقش‌شان در اقتصاد این کشور، اقدام به برپایی یک تظاهرات و اعتصاب گسترده کردند .

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، حامیان "روز بدون مهاجر" در اعتراض به قوانین جدیدی که به موجب آن ورود غیر قانونی به آمریکا جرم کامل محسوب می‌شود، از حضور در مشاغل خود امتناع ورزیده و علاوه بر ممانعت از حضور فرزندانشان در سر کلاس‌های درس، از خرید در فروشگاه‌ها و اماکن خرید خودداری کردند .

شرکت‌های تولید مواد غذایی که شمار کثیری از کارکنانشان را مهاجران اسپانیایی تشکیل می‌دهند که با حقوق کم به کار مشغولند، از اعتصاب و اعتراضات یک روزهٔ مهاجران بیشترین ضرر و زیان را متحمل شدند .

در منطقهٔ لس‌آنجلس که انتظار می‌رفت بیش از یک میلیون مهاجر در اعتراض به قوانین مهاجرت به خیابان‌ها سرازیر شوند، رستوران‌ها و فروشگاه‌های بزرگ تعطیل شدند و رانندگان کامیون از حمل و نقل کالاها از بنادر مختلف خودداری کردند. شرکت‌های مواد غذایی عظیمی چون تایسون و کارگیل اعلام کردند به دلیل اعتصاب سراسری ۲۰ کارخانهٔ بسته‌بندی گوشت را تعطیل کرده‌اند .

همچنین در اراضی کشاورزی کالیفرنیا و فلوریدا نیز هیچ کشاورزی به چشم نمی‌خورد .

اتحادیهٔ آفریقا به طرفین درگیر در سودان ضرب الأجل تعیین کرد

پس ازآنکه دو گروه شورشی سودان اعلام کردند حاضر به امضای توافقنامهٔ پیشنهاد شده در شکل کنونی‌اش نیستند، میانجی‌گران به احزاب درگیر در منطقهٔ دارفور ۴۸ ساعت مهلت دادند تا به توافقنامه‌ی صلح دست یابند.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران(ایسنا) به نقل از پایگاه اینترنتی الجزیره، با پایان ضرب‌الاجل اولیهٔ تعیین شده توسط اتحادیهٔ آفریقا، این مهلت در آخرین دقایق از سوی میانجیگران اتحادیهٔ آفریقا تمدید شد. به این ترتیب سرنوشت مذاکرات دوس له برای خاتمه دادن به درگیری هایی که ده‌ها هزار کشته برجای گذاشته هم‌چنان نامعلوم باقی ماند .

تصمیم تمدید ضرب الاجل به درخواست آمریکا، مبنی بر اینکه فرصت بیشتر می‌تواند امکان دستیابی به توافقی را دربارهٔ مسایل حساس امنیتی بدهد، اتخاذ شد .

احمد توگود، رییس مذاکره‌کنندهٔ جنبش برابری و عدالت اظهار داشت: ما این سند را برای امضا قبول نداریم، مگر این که تغییرات اساسی در این توافقنامه ایجاد شود .

دولت سودان پیش از این آمادگی خود را برای امضای طرح تدوین شدهٔ میانجیگران اتحادیه‌ی آفریقا اعلام کرده بود، اما ارتش آزادی‌بخش سودان، یکی از جناح‌های درگیر در سودان، اعلام کرد: این توافقنامه را امضا نمی‌کند مگر این که خواست‌هایش به طور کامل مورد توجه قرار گیرد .

سخنگوی جبهه‌ی ارتش آزادی‌بخش سودان به خبرنگاران گفت: اگر این توافقنامه تمام خواست‌های ما را شامل نشود، ما آن را امضا نمی‌کنیم .

هنوز موضع جبهه‌ی دیگر ارتش آزادی بخش سودان، سومین گروه شورشی در این درگیری‌ها، مشخص نشده است .

مذاکرات میان دولت سودان و نمایندگان شورشیان در تلاش برای دستیابی به توافقنامه‌یی با حضور میانجیگران بین‌المللی و اتحادیه‌ی آفریقا در ابوجا در حال انجام است .